

موضوعات مشترک بین حوزه‌های مختلف

**ابزار ارزیابی**

**جنسیت در نظام دادرسی کیفری**

**مجموعه ابزارهای ارزیابی دادرسی کیفری**

دفتر مقابله با جرم و مواد سازمان ملل

ابزار ارزیابی

# جنسیت در نظام دادرسی کیفری

مجموعه ابزارهای ارزیابی دادرسی کیفری

سازمان ملل، اکتبر ۲۰۱۰، همه حقوق محفوظ است.

اسامی به‌کار رفته و هرگونه مطلب ارایه‌شده در این نشریه نشان‌گر نظر و دیدگاه دبیرخانه سازمان ملل نسبت به مسایل حقوقی هیچ کشور، قلمرو، شهر، یا ناحیه‌ای و یا مقامات آن‌ها نیست. همچنین هیچ ارتباطی با تعیین مرز و حدود آن‌ها ندارد.

این متن به صورت رسمی ویرایش نشده است.

محصول انتشارات: دفتر سازمان ملل در وین، واحد کتابخانه و انتشارات، انگلیسی

## تشکر و قدردانی

ابزار ارزیابی جنسیت در نظام دادرسی کیفری برای دفتر مقابله با جرم و مواد سازمان ملل (UNODC) و توسط شلبی-آر-کوست، مدیر کل (همهانگ‌کننده) برنامه‌ی شرکای مرتبط با دادرسی جنسیتی، و استاد مهمان از دانشگاه حقوق کلمبوس، دانشگاه کاتولیک آمریکا و تهیه شده است.

UNODC مایل است از مشارکت ارزشمند این متخصصان که پیش‌نویس ابزار را مرور کرده‌اند قدردانی کند: برندا ون‌در برگ، ریچل برت، دکتر الکس کاترر، مارک لالوند، لیز اسکارفیلد، و ایلین اسکینیدر. همچنین، اعضای UNODC که در تمام طول تدوین راهنما شرکت داشتند عبارتند از: ریکاردا آمبرگ، تامریس آتابای، کلودیا بارُنئی، سیری بیون، استلا ماریس دیون، دیانا گاسپر، فابین هاریگا، جولی کوامن، الکساندر پرولوویک، و میا اسپولاندر.

UNODC مایل است از حمایت دولت کانادا نیز قدردانی کند.



صفحه	عناوین
iii	قدردانی و تشکر
۱	۱. مقدمه
۷	۲. مرور
۷	۲,۱ داده‌های آماری
۱۱	۳. چارچوب قانونی و مقرراتی
۱۲	۳,۱ قانون اساسی
۱۲	۳,۲ مجموعه قوانین
۱۴	۳,۳ استانداردهای منطقه‌ای و بین‌المللی
۱۷	۴. سیستم انتظامی
۱۷	۴,۱ پلیس
۱۹	۴,۲ درستکاری و پاسخ‌گویی
۱۹	۴,۳ پزشکی قانونی
۲۰	۴,۴ افسران پلیس زن
۲۱	۵. دسترسی به نظام دادرسی
۲۱	۵,۱ دادگاه‌ها
۲۵	۵,۲ دادستانی
۲۷	۵,۳ وکلا/دفاع/معاضدت قضایی
۳۱	۶. اقدامات تادیبی و غیر-تادیبی
۳۱	۶,۱ زندان‌ها
۳۳	۶,۲ بازداشت پیش از محاکمه
۳۴	۶,۳ حبس حمایتی
۳۵	۶,۴ جایگزین‌های حبس
۳۶	۶,۵ بازپروری اجتماعی
۳۹	۷. قربانیان و شاهدان
۴۱	۸. پیش‌گیری از جرم
۴۳	۹. آگاه‌سازی جامعه/دیدگاه عمومی/رسانه‌ها
۴۳	۹,۱ آگاه‌سازی جامعه/سوادآموزی حقوقی
۴۴	۹,۲ دیدگاه عمومی
۴۵	۹,۳ رسانه‌ها
۴۷	۱۰. نظارت/پایش

۴۹	.....	۱۱. شرکا و هماهنگسازی
۴۹	.....	۱۱,۱ شرکا
۵۰	.....	۱۱,۲ هماهنگی حامیان مالی

		۱۲. ضمایم
۵۱	.....	الف - اسناد کلیدی
۵۵	.....	ب - چکلیست و راهنمای ارزیاب



این ابزار به هدایت ارزیابی جنسیت در نظام دادرسی کیفری کمک می‌کند. در اجرای ارزیابی نقش نظام قضایی در نظام دادرسی کیفری، ارزیابی می‌تواند از این ابزار در کنار سایر ابزارهای موجود در مجموعه ابزارهای ارزیابی دادرسی کیفری بهره‌مندی مطلوبی ببرد.

واژه "جنسیت" در تمام این راهنما استفاده شده است. جنسیت به نقش‌ها و روابط ویژه، خصایص شخصیتی، رفتارها و ارزش‌هایی که جامعه به مردان و زنان منتسب می‌کند اشاره دارد. "جنسیت" به تفاوت‌های آموخته‌شده بین مردان و زنان اشاره دارد، در حالی که "جنس" عنوان‌کننده تفاوت‌های زیست‌شناختی میان جنس مؤنث و مذکر است. نقش‌های جنسیتی تنوع گسترده‌ای در درون یک فرهنگ واحد و میان فرهنگ‌های مختلف دارند و در گذر زمان می‌توانند تغییر کنند، و تغییر می‌کنند. جنسیت تنها اشاره‌ای ساده به مردان و زنان نیست بلکه به روابط میان آنان نیز است.<sup>1</sup> دادرسی جنسیتی یک نظام قضایی ویژه برای زنان نیست بلکه در اصل در خدمت نیازهای گوناگون هم مردان و هم زنان است. تمرکز بر زنان به دلیل شرایط نامساعدی است که در حال حاضر بسیاری از آنان در برخی محیط‌ها با آن مواجه می‌شوند.

از دیدگاه تاریخی و در سراسر دنیا، زنان حضور کم‌رنگی به عنوان فعالان نظام دادرسی کیفری و از طرف دیگر حضور پررنگی به عنوان قربانی/بازمانده در جرایم مرتبط با جنسیت از قبیل خشونت، تبعیض و آزار داشته‌اند. شناسایی و درک حقایق مربوط به زنان و مردان در در جامعه و همچنین سوگیری‌های جنسیتی که می‌تواند تبعیض را ترویج، دسترسی به عدالت را محدود و از مشارکت کامل زنان در نظام دادرسی کیفری ممانعت کند زیربنای هرگونه ارزیابی نظام دادرسی کیفری است و باید در همه توصیه‌های ارائه‌شده در کمک‌های فنی نمود داشته باشد.

یک نظام دادرسی کیفری منصف، کارا، و نمونه نظامی است که به حقوق بنیادین همه زنان و مردان احترام می‌گذارد. این نظام به مسایل جنسیتی پاسخگو است و تلاش می‌کند با شناسایی و بررسی نفوذ سوگیری‌های جنسیتی از وقوع جرایم مرتبط با جنسیت پیش‌گیری، از قربانیان/بازماندگان و شاهدان محافظت و به آنان کمک کرده، و مشارکت فعال زنان را در همه سطوح نظام دادرسی کیفری تشویق کند. این نظام بازتاب مشخصه‌های قومیتی، جغرافیایی، دینی، جنسی، و زبانی مردمی است که در پی خدمت به آنان است. این نظام که منعکس‌کننده استانداردها و هنجارهای منطقه‌ای و بین‌المللی در محافظت از حقوق بشر است، همه افراد را یکسان حمایت کرده و به آنان خدمت می‌کند.

نمود جرایم مرتبط با جنسیت در نظام دادرسی کیفری اغلب به شکل خشونت علیه زنان، تبعیض، و آزار جنسی است. خشونت مرتبط با جنسیت ریشه‌ای تاریخی در نابرابری قدرت در رابطه میان زنان و مردان و تبعیض مستمر علیه زنان دارد. جرایم مرتبط با جنسیت می‌تواند اشکال مختلفی مانند جسمی، روانی، اخلاقی، و اقتصادی داشته باشد و نه تنها از کشور به کشور بلکه از شهر به روستا هم متفاوت است. جرایم جنسیتی این موارد را شامل می‌شود هرچند منحصر به آن نیست: تجاوز؛ خشونت جنسی؛ خشونت خانگی؛ آدم‌ربایی؛ معیوب‌سازی دستگاه تناسلی زنان، قاچاق انسان، ازدواج زود هنگام، روسپیگری اجباری، ازدواج اجباری؛ مرگ‌های مربوط به جهیزیه؛ قتل‌های ناموسی؛ حضانت؛ وراثت؛ عصب داری؛ آزار جنسی؛ تبعیض؛ و احوال شخصی.

در برخی جوامع، به‌خصوص وقتی جرایم مرتبط با جنسیت همراه با خشونت جنسی باشد، گزارش به مقصر دانستن قربانیان/بازماندگان<sup>2</sup> وجود دارد. به‌خاطر ترس از انگ، بسیاری از قربانیان هیچ‌گاه حادثه را به مقامات گزارش نمی‌کنند. نگرش‌های سرزنش‌آمیز جامعه در مورد قربانی اغلب در نظام دادرسی منعکس می‌شود. زنان و مردانی که جرایم خشونت جنسی را گزارش می‌کنند اغلب با قربانی شدن ثانویه مواجه می‌شوند که توسط پلیس شروع شده و در تمام مراحل دادرسی ادامه می‌یابد. ممکن است پلیس، دادستان، و قاضی خشونت خانگی را یک "مسأله خصوصی" و رای محدود قانون فرض کنند؛ بسیاری از خشونت‌های جنسی و مرتبط با جنسیت به سادگی مخومه اعلام می‌شوند؛ و مجازات‌های سبک به مجرمانی که مقصر شناخته می‌شوند تعلق می‌گیرد. در برخی جوامع، قربانیان تجاوز و یا زانی که مشکوک به داشتن رابطه جنسی پیش از ازدواج هستند توسط بستگان‌شان به قتل می‌رسند چرا که برخی باور دارند تعرض به عصمت یک زن اهانت به آبروی خانواده است. در سایر موارد، قربانی خشونت جنسی یا قاچاق انسان ممکن است به جرم زنا به زندان افتد و یا چون دیگر "بی‌ارزش" است از خانواده طرد شود؛ گزارش‌هایی وجود دارد که طرف‌های درگیر در موارد تجاوز با دادن یک بز (یا هر حیوان دیگر) به پدر قربانی، یا مجبور کردن قربانی به ازدواج با متجاوز به حل‌وفصل قضیه می‌پردازند.

<sup>1</sup> مجموعه راهنمای تحول قضایی و جنسیت، جنسیت و تحول سیستم امنیتی، شلی کواست

<sup>2</sup> واژه قربانی که در سراسر این سند به‌کار رفته هم قربانی و هم بازماندگان جنایت را شامل می‌شود.

تبعیض می‌تواند زنان را از برخورداری از حقوق اساسی‌شان که در قانون اساسی آن کشور یا قوانین بین‌المللی تضمین شده محروم کند. تبعیض می‌تواند در ذات قانون‌گذاری وجود داشته باشد؛ برای مثال، عدم مجازات خشونت خانگی اگر خشونت "توجیه‌پذیر" باشد یا قایل نشدن حق تملک اموال برای زنان. این تبعیض را همچنین می‌توان در فرایندها و رویه‌هایی که تأثیری تبعیض‌آمیز دارند یافت. آزار جنسی زنان و دختران در محیط‌های اجتماعی، مدارس و محیط کار شایع است. اغلب افراد در مصدر قدرت، مانند شاغلان بخش‌های دادرسی کیفری و امنیتی مرتکب آزار جنسی می‌شوند که منجر به بی‌اعتمادی عمومی به نظام شده و تلاش‌های صورت‌گرفته در جهت ارتقای حاکمیت قانون را تضعیف می‌کند.

جرایم مرتبط با جنسیت تأثیرات درازمدتی نه تنها بر قربانیان و خانواده‌های‌شان، بلکه بر تمام جامعه دارد. جرایمی که مجازات نمی‌شود فرهنگ مصونیت در برابر قانون و بی‌قانونی را تغذیه می‌کند. دسترسی زنان به دادرسی ممکن است به دلایل متعددی مسدود شود که شامل این موارد است: نداشتن آگاهی در رابطه با حقوق قانونی و چگونگی دسترسی به نظام دادرسی؛ نداشتن منابع مالی؛ ترس؛ فساد (نظام دادرسی)؛ موانع زبانی؛ رویه‌های تبعیض‌آمیز پلیس و/یا کارکنان قضایی.

مجموعه‌ای از حقوق بین‌الملل وجود دارد که استانداردهایی را برای دادرسی جنسیتی تنظیم کرده که شامل این موارد است: حذف تبعیض علیه زنان؛ حذف خشونت علیه زنان؛ تدوین قوانین عاری از تبعیض؛ پیشگیری، توقف، و جرم‌انگاری قاچاق انسان؛ نظام‌های دادرسی حساس به مسایل جنسیتی؛ مشارکت برابر زنان در نظام دادرسی؛ پیشگیری از جرم؛ و نحوه رفتار با زنان بازداشت‌شده یا در محیط‌های تأدیبی. این استانداردها در اسنادی که در زیر می‌آید و در سراسر متن این ابزار منعکس شده است:

معاهده سازمان ملل در حذف تمام اشکال تبعیض علیه زنان<sup>۳</sup> (CEDAW) مقرر می‌کند که تمام کشورهای درگیر باید:

- اصل برابری زنان و مردان را در قانون اساسی‌شان منضم کرده و تحقق عملی این اصل را تضمین کنند (ماده ۲ (a)؛
- اقدامات قانونی مناسب برای منع انواع تبعیض علیه زنان را اتخاذ کنند (ماده ۲ (b)؛
- حفاظت قانونی از حقوق زنان بر پایه مساوی با مردان را تثبیت کنند (ماده ۲ (c)؛
- تضمین کنند که موسسات و مقامات دولتی در راستای این تعهد قانونی عمل می‌کنند (ماده ۲ (d)؛
- قوانین، مقررات، رسوم و رویه‌های موجود که تبعیض علیه زنان را شکل می‌دهند اصلاح یا منسوخ کنند (ماده ۲ (f)؛
- همه تمهیدات کیفری تبعیض‌آمیز علیه زنان را لغو کنند (ماده ۲ (g)؛ و
- زنان و مردان را در برابر قانون مساوی بدانند و بپذیرند که زنان همانند مردان در زمینه امور حقوقی صلاحیت و استعداد دارند و باید فرصت مشابه با مردان برای تجربه این توانایی را داشته باشند (ماده ۱۵).

توصیه عمومی شماره ۱۹ کمیته CEDAW (۱۹۹۲) مقرر می‌کند که:

- برای پیاده‌سازی مؤثر CEDAW باید از طریق آموزش مدیران قوه قضاییه را به مسایل مرتبط با جنسیت حساس کرد.

اعلانیه سازمان ملل در مورد حذف خشونت علیه زنان (A/RES/48/104) مقرر می‌کند که کشورها باید:

- از اعمال خشونت‌آمیز علیه زنان پیشگیری کرده و آن را مورد تحقیق، تفحص، و مجازات قرار دهند (ماده ۴ (c)؛
- قوانین داخلی برای تنبیه و جبران بی‌عدالتی‌های روا شده به زنان در معرض خشونت تدوین کنند (ماده ۴ (d)؛
- دسترسی به سازوکارهای دادرسی و عدالت را برای زنان در معرض خشونت فراهم کرده و آسیب‌های وارد شده بر آنان را به‌طور مؤثر جبران کنند (ماده ۴ (d)؛ و
- تضمین کنند که مجریان قانون و مسئولانی که قرار است سیاست‌های پیشگیری، تفحص، و مجازات خشونت علیه زنان را پیاده کنند برای حساس شدن به نیازهای زنان آموزش می‌بینند (ماده ۴ (i).

اعلانیه چهارمین کنفرانس زنان در پکن و خط مشی اقدام.<sup>۴</sup> اعلانیه پکن در مورد خط مشی اقدام، دولت‌ها را فرا می‌خواند به:

<sup>3</sup> United Nations Convention on the Elimination of all Forms of Discrimination against Women (CEDAW) (A/34/46) (1979) دهند

- مرور همه قوانین و رویه‌های قانونی برای تضمین پیاده‌سازی تمام ابزارهای بین‌المللی مرتبط با حقوق بشر از طریق وضع قوانین داخلی (پاراگراف ۱۲۴-d، e)؛
- لغو همه قوانینی که بر پایه جنسیت تبعیض می‌گذارند و حذف سوگیری جنسیتی در اجرای دادرسی (پاراگراف ۲۳۲-d)؛
- تضمین دسترسی ارزان یا مجانی به خدمات حقوقی، شامل سوادآموزی حقوقی، که به طور خاص برای دسترسی به زنانی که در فقر زندگی می‌کنند طراحی شده است؛ (پاراگراف ۶۱-a)؛ و
- تضمین این که زنان مانند مردان حق دارند قاضی، وکیل مدافع، یا دارای سایر مسؤلیت‌ها در دادگاه باشند. (پاراگراف ۳۲۳-m).

مدل به روز شده راهبردها و اقدامات عملی برای حذف خشونت علیه زنان در زمینه پیشگیری از جرم و دادرسی کیفری<sup>۴</sup> تأکید دارد که کشورهای عضو:

- قوانین ملی، سیاست‌ها، ضوابط، فرایندها، برنامه‌ها، و رویه‌های‌شان را، به‌خصوص قوانین جنایی را، مستمرا مرور، ارزشیابی، و به‌روز کنند تا ارزش، جامعیت، و اثربخشی آن‌ها را در حذف همه انواع خشونت علیه زنان تضمین و تامین کنند و همچنین تمام مجوزهای قانونی که خشونت علیه زنان را دامن می‌زند، از آن چشمپوشی می‌کند، و یا زنان در معرض خشونت را مجدداً به قربانی شدن آسیب‌پذیر می‌کند حذف کنند (پاراگراف ۱۴-a)؛
- هر نوع قانون، مقررات، سیاست، عرف و رویه‌ی تبعیض‌آمیز علیه زنان یا دارای تأثیری تبعیض‌آمیز بر آنان را مرور، و هرکجا که مقتضی بود، بازبینی، اصلاح، یا حذف کنند. به این ترتیب تضمین کنند که تمام مجوزهای قانونی موجود در انواع نظام‌های دادرسی با تعهدات، التزام‌ها، و اصول بین‌المللی حقوق بشر، به‌خصوص اصل عدم تبعیض، مطابقت دارد (پاراگراف ۱۴-e)؛ و،
- برای پلیس، مسؤلان دادرسی کیفری، و متخصصان درگیر در نظام دادرسی کیفری فصول آموزشی اجباری را با محتوای بین‌فرهنگی، مسایل مربوط به جنسیت، و حساس به مسایل کودکان فراهم آورند و آنان را تشویق به شرکت در این آموزش کنند. محتوای این آموزش باید بیان‌کننده عدم پذیرش هر نوع خشونت علیه زنان، تأثیر زیان‌بخش، و عواقب آن بر تمام کسانی باشد که چنین خشونتی را تجربه می‌کنند (پاراگراف ۲۰-a).

پروتکل پیشگیری، توقف، و مجازات قاچاق انسان، به‌خصوص زنان و کودکان، مکمل معاهده‌ی سازمان ملل علیه جرایم سازمان‌یافته فراملیتی (پروتکل پالمو) (۲۰۰۰). پروتکل پالمو از همه از کشورهای عضو می‌خواهد که توجه ویژه‌ای به زنان و کودکان داشته باشند:

- قوانینی را اختیار کنند که "قاچاق (انسان)" را یک تخلف جنایی محسوب کند (ماده ۵)؛
- قربانیان قاچاق انسان را مساعدت و از آنان حمایت کنند (ماده ۲ (b)، ۷)؛
- قربانیان قاچاق انسان، به‌خصوص زنان و کودکان را، از قربانی شدن مجدد محافظت کنند (ماده ۹ (۱) (b)؛
- هنگام اجرای تمهیدات این ماده قانونی سن، جنسیت، و نیازهای خاص قربانیان قاچاق انسان را در نظر بگیرند؛ (ماده ۶ (۴))؛ و،
- آموزش‌هایی را برای مجریان قانون در زمینه پیشگیری از قاچاق انسان، از جمله حقوق بشر و مسایل حساس به جنسیت فراهم یا آموزش‌های موجود را تقویت کنند و آنان را به مشارکت با سازمان‌های مردمنهاد، سایر سازمان‌های مرتبط و سایر بخش‌های جامعه مدنی تشویق کنند (ماده ۱۰ (۲)).

دستورالعمل‌های سازمان ملل در پیشگیری از جرم (۲۰۰۲). اصول بنیادین این دستورالعمل‌ها عبارتند از:

- هر زمان که مقتضی است، راهبردهای پیشگیری از جرم باید به نیازهای متفاوت زنان و مردان توجه لازم را نشان داده و نیازهای خاص اعضای آسیب‌پذیر جامعه را در نظر بگیرد (ماده ۱۴)؛ و،

<sup>4</sup> Fourth World Conference on Women, Beijing Declaration and Platform for Action A/CONF.177/20 (1995) and A/CONF.177/20/Add.1 (1995).

<sup>5</sup> ECOSOC resolution 2010/15, annex, adopted on 22 July 2010

• دولت و جامعه مدنی باید در جهت تحلیل و رسیدگی به پیوندهای بین جرایم سازمان‌یافته فراملیتی و مشکلات مربوط به جرایم ملی و محلی تلاش کنند و در این میان هر جا که ممکن بود راهبردهای پیشگیری از جرم را برای حمایت از گروه‌های رانده شده به حاشیه جامعه، به‌خصوص زنان و کودکان، که به فعالیت گروه‌های جنایی سازمان‌یافته از قبیل قاچاق انسان و قاچاق مهاجران آسیب‌پذیرند طراحی کنند (ماده ۲۷).

احکام سازمان ملل در مورد رفتار با زنان زندانی و اقدامات غیر-تادیبی برای زنان مجرم<sup>۶</sup>، مقرر می‌کند که:

- برای عملی کردن اصل عدم تبعیض، که در حکم ششم حداقل احکام استاندارد در رفتار با زندانیان منضم شده، باید نیازهای مشخص زنان زندانی را هنگام اجرای این احکام در نظر گرفت. بر آوردن این نیازها در جهت رسیدن به برابری قابل توجه جنسیتی را نباید تبعیض‌آمیز تلقی کرد (حکم ۱)؛
- باید تلاش شود تا روندها، مشکلات، و عواملی که با خلافکاری در زنان همراه است و همچنین اثربخشی برنامه‌های بازپروری اجتماعی زنان متخلف و فرزندان‌شان را به طور دوره‌ای مرور و ارزشیابی کرد و به اطلاع عموم رساند. هدف این کار کاستن تبعیض و تأثیر منفی مواجهه این زنان با نظام دادرسی کیفری است (حکم ۶۹).

هریک از این ابزارها، همراه با سایر ابزارهای منطقه‌ای و بین‌المللی، رهنمودی در رابطه با حقوق زنان ارائه کرده و در برخی موارد الزاماتی را نیز ایجاد می‌کند. ارزیابی نظام دادرسی کیفری یا هر یک از اجزای آن نمی‌تواند بدون بررسی دقیق نحوه رفتار نظام و بخش‌های مختلف آن در رابطه با جنسیت کامل باشد. قانون اساسی و قانون‌گذاری یک کشور می‌تواند پایه قوی برای دادرسی جنسیتی فراهم کند اما این فرایندها، رویه‌ها و برداشتها از برابری است که اغلب زنان را از دستیابی به حقوق‌شان محروم می‌کند. سوگیری‌ها بالقوه و در عمل زنان را از دسترسی مؤثر به دادرسی محروم کرده و منجر به مشارکت ناکامل یا عدم مشارکت آن‌ها در نظام دادرسی کیفری می‌شوند. علی‌رغم بسیاری از چالش‌های مفرط و نیازهای نگران‌کننده‌ای که ممکن است زنان با آن مواجه شوند، اغلب مثال‌هایی از موفقیت‌های خلاقانه و برجسته آنان در محیطی با منابع ناچیز و حمایت محدود وجود دارد. ارزیاب باید سعی کند علاوه بر شناسایی موانع و چالش‌های پیش روی اعضای آسیب‌پذیر جامعه، به‌خصوص زنان، در دسترسی به دادرسی؛ حامیان تغییرات را نیز شناسایی کرده و نقش پروژه‌ها و برنامه‌هایی را که در ارتقای برابری و عدالت جنسیتی در نظام دادرسی کیفری کشور موفق بوده‌اند پررنگ کند.

پیش از این که ارزیاب کارش را در سطح کشور آغاز کند، لازم است مطالعات/گزارش‌های داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی را در مورد نظام قضایی به‌طور کل و همچنین در رابطه با نقش‌های جنسیتی و وضعیت زنان به‌طور ویژه مرور کند. این کار می‌تواند برای ارزیاب بینشی در مورد بسیاری از مسایل زیربنایی از قبیل جنسیت، نژاد، قومیت، وضعیت اقتصادی، موقعیت جغرافیایی و غیره که بر برابری، تبعیض و دسترسی به دادرسی تأثیر می‌گذارند فراهم کند.

این ابزار به عنوان جایگزین تخصص، تجربه، و قضاوت طراحی نشده است. قصد این نبوده که دربرگیرنده همه جزئیات یا یک چک‌لیست باشد. اگر رویکرد انجام ارزیابی به‌طور ساختگی ساده شده باشد نه تنها ارزیاب بل که تمام کارگزاری‌ها، دولت‌ها، و نهایتاً مردمی که به کیفیت ارزیابی‌های انجام شده بر پایه این مجموعه ابزارها متکی هستند زیان خواهند دید. قصد این است که این ابزار مکمل سایر ابزارهای مجموعه، نه مستقل از آن‌ها، باشد. مسایل جنسیتی در تمام نظام دادرسی کیفری نفوذ دارند و باید کاملاً در هر یک از اجزای ارزیابی گنجانده شود. فهم نگرش‌ها، برداشتها، و سوگیری‌هایی که بالقوه یا بالفعل بر تصمیم‌گیری در هر یک از سطوح نظام دادرسی مؤثرند به همان اندازه مهم است. مسایل جنسیتی پیچیده هستند و توصیه می‌شود هر جا که ممکن است یک متخصص امور مرتبط با جنسیت در تیم ارزیابی گنجانده شود.

شرایط پس از نزاع می‌تواند مسایل و چالش‌های خاصی را به نمایش بگذارد. در این شرایط، فهم دیدگاه‌های مختلف در مورد تاریخ زمینه‌ای ریشه‌های نزاع و وسعت خشونت مرتبط با جنسیت ضروری خواهد بود. گستردگی دامنه‌ی نظام دادرسی کیفری در برقراری صلحی پایدار و عادلانه اهمیت دارد؛ این نظام همچنین باید توان خود را در مواجهه و ارائه راه‌هایی برای پاسخ‌گویی و رسیدگی به آزارهایی که زنان و مردان در گذشته دیده‌اند نشان دهد و بتواند و وفاق و آشتی برقراری کند.

<sup>6</sup> the Bangkok Rules, ECOSOC resolution 2010/16, annex, adopted on 22 July 2010

ارزیاب علاوه بر این که باید نقاط قوت و ضعف یک نظام (دادرسی) مشخص را شناسایی کند، باید قادر باشد فرصت‌های موجود برای اصلاح و پیشرفت آن را نیز مشخص کند. اگر مساعدت فنی درخصوص دادرسی جنسیتی در یک چارچوب راهبردی وسیع‌تر در نظر گرفته شود، می‌تواند فعالیت‌هایی را برای تقویت موارد زیر دربرگیرد:

- تقویت دسترسی زنان و دختران به دادرسی؛
- حمایت از تدوین قوانینی که از حقوق زنان و دختران حمایت می‌کند و بازتاب حقوق بین‌الملل و استانداردهای حقوق بشر است؛
- شناسایی سوگیری‌های جنسیتی، و سوگیری‌های مشاهده شده در درون نظام دادرسی کیفری؛
- گسترش رویه‌ها، سیاست‌ها، و فرایندهایی که به سوگیری‌ها رسیدگی کرده و قانون اساسی و قوانین را به‌طور مؤثر پیاده می‌کند؛
- آموزش عمیق برای همه دست‌اندرکاران دادرسی کیفری در زمینه مسایل مربوط به دادرسی جنسیتی؛
- تدوین برنامه‌های آموزشی در مورد نحوه به‌کارگیری حقوق بین‌الملل و منطقه‌ای و استانداردهای حقوق بشر در زمینه دادرسی کیفری در سطح داخلی؛
- ظرفیت‌سازی برای زنان شاغل در نظام دادرسی کیفری در همه سطوح، از جمله برای زنان صاحب منصب.

## ۲. مرور

### ۲،۱ داده‌های آماری

لطفاً برای کسب اطلاعات در مورد جمع‌آوری داده‌های آماری کلیدی مرتبط با دادرسی کیفری به موضوعات مشترک بین حوزه‌های مختلف: اطلاعات درباره دادرسی کیفری مراجعه کنید. این داده‌ها به تهیه مروری از موضوعات مرتبط با جنسیت و ارزیابی ظرفیت کلی نظام دادرسی کیفری در کشور کمک می‌کند. لطفاً همچنین به داده‌های آماری که در ابزارهایی با عنوان سیستم انتظامی؛

دسترسی به دادرسی؛ اقدامات تادیبی و غیرتادیبی؛ و موضوعات مشترک بین حوزه‌های مختلف موجود است مراجعه کنید.

در زیر شاخص‌های دیگری که مختص این ابزار است فهرست شده است. ممکن است برخی کشورها این اطلاعات را نداشته باشند. هرچند دسترسی به اسناد و گزارش‌ها نیاز بود توصیه می‌شود از پیش درخواست شود زیرا ممکن است تهیه آن زمان‌بر باشد:

اطلاعات آماری مکتوب که مختص این راهنما است، اگر موجود باشد، موارد زیر را دربر می‌گیرد:

- گزارش دادگاه‌های رسمی/غیررسمی/سنتی
- گزارش سازمان‌های مردمنهاد و جامعه مدنی از دادرسی جنسیتی
- معاهده حذف همه اشکال تبعیض علیه زنان (CEDAW)، گزارش‌های دوره‌ای کشورها، و اگر موجود باشد، گزارش‌های موازی سازمان‌های مردمنهاد
- گزارش انجمن‌های زنان قاضی، وکیل، یا دادستان
- گزارش‌های پلیس، شامل داده‌های تفکیک‌شده اداری
- بایگانی زندان

مجموعه‌ای از منابع گوناگون می‌تواند به غنای اطلاعات جمع‌آوری شده بیفزاید. برخی از این منابع عبارتند از: وزارت دادگستری؛ وزارت امور مرتبط با جنسیت/ امور زنان؛ قوه قضاییه؛ رهبران سنتی؛ دادستان‌ها؛ وکلا؛ عاملان قضایی؛ مسؤولان بخش سلامت که به امور مرتبط با سوءاستفاده و خشونت علیه زنان رسیدگی می‌کنند؛ نهادهای زنان قاضی، دادستان، و وکیل؛ سازمان‌های مردمنهاد؛ گروه‌های باورمحور؛ گروه‌های فرهنگی؛ سازمان‌های حامیان مالی؛ افسران پلیس که در واحدهای تخصصی مربوط به جنسیت یا ضد قاچاق انسان کار می‌کنند؛ و، کارکنان دادگاه شامل افرادی که در سازوکارهای دادرسی انتقالی کار می‌کنند (محاکم قضایی خاص، دادگاه‌های ویژه، کمیسیون حقیقت‌یاب، و غیره).

احتمالاً جمع‌آوری اطلاعات جامع و تفصیلی که نمایش‌گر تصویری همه‌جانبه از تجربیات زنان از حوزه دادرسی کیفری باشد دشوار است. همچنین گردآوری داده‌هایی که بازتاب صحیحی از نرخ جرایم مرتبط با جنسیت باشد (برای مثال تجاوز، خشونت خانگی، قتل-های ناموسی، قتل‌های مربوط به جهیزیه، قاچاق انسان، آدم‌ربایی، معیوب‌سازی آلت جنسی زنان، آزار، و غیره) آسان نیست. این زمینه جمع‌آوری اطلاعات تازه در حال شکل‌گیری است و با توجه به این که بسیاری از جرایم مرتبط با جنسیت به‌خودی‌خود خلاف خاصی تلقی نمی‌شود با دشواری‌هایی مواجه شده است. از این قبیل می‌توان به خشونت خانگی اشاره کرد که در برخی حوزه‌های قضایی تهاجم ساده یا مثل یک تخلف اداری طبقه‌بندی می‌شود. به‌علاوه، بسیاری از نظام‌های دادرسی کیفری داده‌ها را به تفکیک جنسیتی ندارند.

در ارزیابی اطلاعات آماری، درک شرایط زمینه‌ای مرتبط با جنسیت و همچنین عوامل جغرافیایی، اقتصادی، نژادی، دینی، قومیتی، و سلامت که بر گزارش برخی جرایم تأثیر می‌گذارد اهمیت دارد. به‌علاوه، درک نگرش‌ها، دیدگاه‌ها، و سوگیری‌هایی که می‌تواند هم بر گزارش جرایم مرتبط با جنسیت و هم بر اجرای بی‌طرفانه قانون توسط بسیاری از عاملان قضایی (پلیس، قاضی‌ها، دادستان‌ها، وکلا، کارکنان دادگاه، مترجمان دادگاه، مسؤولان زندان) اثر بگذارد نیز اهمیت دارد؛ نگرش‌ها و سوگیری‌ها همچنین می‌تواند بر مشارکت و پیشرفت زنان در نظام دادرسی کیفری تأثیرگذار باشد. برای داشتن اطلاعات صحیح، لازم است آن را از منابع مختلف و از مقام‌ها در سطوح مختلف جمع‌آوری کرد.

الف. آیا این آمار را پلیس، دادگاه‌ها، دادستان‌ها، بخش دفاع حقوقی، و زندان‌ها جمع‌آوری کرده‌اند؟ اگر بله، آیا به تفکیک انواع جرم است؟ آیا اطلاعات به تفکیک جنسیت است؟

ب. آیا مطالعات جمعیتی ویژه، از قبیل مطالعات جرم‌شناسی برای ارزیابی طبیعت و گستره خشونت علیه زنان، انجام شده است؟ آیا کشور داده‌ها و اطلاعات را، به‌خصوص در باره مواردی که در زیر می‌آید، جمع‌آوری، تحلیل و منتشر می‌کند؟

- اشکال مختلف خشونت علیه زنان؛ دلایل، عوامل خطر، و سطح شدت چنین خشونت‌هایی؛ و پیامدها و تأثیرات آن، از جمله بر زیرگروه‌های جمعیتی مختلف؛

- وسعت ارتباط محرومیت و بهره‌گشی اقتصادی با خشونت علیه زنان؛
- الگوها، روندها، و شاخص‌های خشونت علیه زنان، احساس ناامنی زنان در محیط‌های عمومی و خصوصی و عواملی که این احساس ناامنی را کاهش می‌دهد؛
- ارتباط بین قربانی و مهاجم؛
- تاثیر انواع مختلف مداخله بر فرد متخلف و بر کاهش و حذف خشونت علیه زنان در کل؛
- استفاده از سلاح، مواد، الکل و سایر مواد در موارد خشونت علیه زنان؛
- ارتباط بین قربانی کردن یا قرار گرفتن در معرض خشونت و فعالیت خشونت‌آمیز بعدی؛
- ارتباط بین تجربه خشونت توسط زنان و آسیب‌پذیری زنان به سایر انواع سوءاستفاده؛
- پیامدهای خشونت بر کسانی که شاهد آن بوده‌اند، به‌خصوص درون خانواده.

پ. آیا گزارش‌هایی از تعداد موارد گزارش‌شده خشونت علیه زنان به پلیس و همچنین سایر کارگزاران دادرسی کیفری، شامل نرخ دستگیری و آزادی، پیگرد قانونی و ارایه موارد تخلف به دادگاه و شیوع خشونت علیه زنان وجود دارد؟ آیا آماری در مورد شکایات از نظام دادرسی کیفری (برای مثال از پلیس، قوه قضاییه، دادستانی، زندان‌ها، و وکلای مدافع) جمع‌آوری شده است؟ چند درصد شکایت‌ها از آزار جنسی است؟ چند درصد توسط زنان انجام شده است؟ چند درصد محرز شده و چه مجازاتی تعلق گرفته است؟ نرخ دستگیری، پی‌گرد، و واگذاری موارد تخلف به دادگاه چقدر است؟ چند درصد موارد ثبت شده هیچ‌گاه به دادگاه راه پیدا نمی‌کند؟ چرا؟

ت. آیا آماری در مورد جنسیت افسران مجری قانون گردآوری شده است؟ در مورد قاضیان، افسران قضایی، دادستان‌ها، وکلا، و کارکنان زندان چطور؟ چه چیزی را نشان می‌دهد؟ نسبت مردان به زنان در سطوح مختلف رتبه‌بندی و ارشدیت چگونه است؟

ث. آیا آماری در مورد میزان اعتماد و اتکای جامعه به نظام دادرسی کیفری جمع‌آوری شده است؟ آیا آماری در مورد میزان تایید نظام (دادرسی) از سوی جامعه منتشر شده است؟ اگر چنین است، آن‌ها بیان‌گر چه هستند؟ آیا این آمار بیان‌کننده احساس ناامنی زنان در محیط‌های عمومی و خصوصی است؟ آیا سازوکارهایی برای جمع‌آوری و هماهنگ‌سازی اطلاعات ترتیب داده شده است؟

ج. آیا هیچ مطالعه جمعیتی اختصاصی، مثلاً مطالعه در مورد قربانیان انجام شده است؟ آیا زنان و سایر گروه‌های خاص اجتماعی موفق به طرح دعوای حقوقی خود در دادگاه نمی‌شوند؟ اگر چنین است، چرا؟ آیا شکایت به جای دیگری می‌برند؟ کجا و چرا؟ آیا داده‌ها و آماری از سایر نهادها مانند درمان‌گاه‌ها، گروه‌های زنان، سرپناه‌ها، سازمان‌های مردم‌نهاد، و غیره موجود است که بتواند اطلاعاتی در مورد زنان قربانی/بازمانده که به هر علتی به نظام دادرسی کیفری راه پیدا نمی‌کنند ارایه کند؟

### ۳. چارچوب حقوقی و مقرراتی

هنگام ارزیابی حوزه دادرسی کیفری، ضروری است که به نظام دادرسی کیفری هم از داخل و هم بیرون از پایتخت و شهرهای بزرگ نگاه شود. در بسیاری از کشورها دسترسی به نظام دادرسی برای زنان می‌تواند تفاوت عمده‌ای براساس محل جغرافیایی داشته باشد.

اسنادی که متعاقباً ارائه خواهد شد منابع اصلی برای شناخت چارچوب حقوقی و مقرراتی حاکم بر دادرسی جنسیتی در نظام دادرسی کیفری است.



*قانون اساسی*: قانون اساسی اغلب دربرگیرنده زبان برابری و حقوق بشر است. هر جا که نظام قانونی موازی وجود دارد، قانون اساسی اغلب آن را ملزم می‌کند که در تضاد با التزامات/حمایت‌های قانون اساسی نباشد؛ همچنین ممکن است که دیده‌بان‌هایی را برای اطمینان از پایبندی به حقوق در نظر گرفته شده در قانون اساسی به‌کارگیرد. قانون اساسی همچنین می‌تواند اطلاعاتی را درباره نحوه گنجاندن معاهده‌های منطقه‌ای و بین‌المللی در قوانین داخلی ارایه کند.

مجموعه ضوابط جنایی/جزایی و فرایند قانون جنایی/جزایی: ضوابط جزایی عموماً شامل اطلاعاتی درباره انواع تخلفات مرتبط با جنسیت و حکم مربوط به هر تخلف است. احکام اغلب شامل مجازات‌های غیر-تادیبی و همچنین حبس است.

*قانون سنتی*: هر جا که نظام‌های قانونی سنتی و رویه‌های عرفی وجود دارد، معمولاً مجموعه‌ای از انواع تخلف، حقوق، و وظایف را نیز دربرمی‌گیرد. این قوانین و رویه‌ها ممکن است شکل مکتوب داشته یا نداشته باشد.

معاهده‌ها و پیمان‌نامه‌های بین‌المللی که امضا و تصویب شده‌اند: پیمان‌نامه‌ها و معاهده‌های بین‌المللی که امضا و تصویب شده‌اند شامل التزاماتی است که کشور تبعیت از آن را پذیرفته است. مهم است که به همه شروط کشور در زمان امضای آن سند اشاره شود و همچنین مشخص شود که آیا در قانون داخلی بومی‌سازی شده است یا خیر.

اگرچه، آنچه روی کاغذ آورده می‌شود اغلب در عمل بازتابی ندارد. در بسیاری از کشورها ممکن است مشاهده شود که حتی وقتی قانون اساسی، قوانین، و پیمان‌نامه‌ها ابزار حفاظتی مناسبی را روی کاغذ برای زنان فراهم می‌کند، سیاست‌ها، فرایندها، و رویه‌هایی وجود دارد که مانع از بهره‌گیری کامل و برابر زنان از این حقوق و امتیازها شده و همچنین آن‌ها را از دسترسی به دادرسی بازمی‌دارد. بعد از بازبینی چارچوب قانونی، ارزیاب باید رویه‌هایی را که در عمل اتفاق می‌افتد از طریق بازدید از محل در نقاط مختلف کشور و مصاحبه با عاملان قضایی، گروه‌های قربانی، سازمان‌های مردمنهاد، و گروه‌های زنان بررسی کند.

### ۳,۱ قانون اساسی

الف. استانداردهای بین‌المللی حقوق بشر، به‌خصوص آن‌هایی که در مورد زنان و دختران مصداق دارد، تا چه حد در قانون اساسی گنجانده شده است؟ آیا در مورد برابری و عدم تبعیض در رابطه با جنسیت زبان خاصی به کار رفته است؟ چه حمایت‌های دیگری برای زنان و دختران در قانون اساسی ارایه شده است؟

ب. آیا نظام‌هایی وضع شده است که اگر قانونی از قانون اساسی یا التزامات بین‌المللی تخطی کرد آن را به چالش بکشد؟ چقدر این نظام‌ها مؤثر است؟ آیا دادگاه عالی یا سایر دادگاه‌ها می‌توانند در مورد تبعیت قوانین از التزامات بین‌المللی یا قانون اساسی حکم دهند؟ آیا این کار را می‌کنند؟ آیا به احکام مخالف با دولت احترام گذاشته می‌شود؟ آیا دسترسی به دادگاه قانون اساسی/اقدامات قانونی در قانون اساسی سهل‌الوصول است یا محدودیت دارد؟ آیا التزامات قانونی مرتبط با حقوق بشر که در قانون اساسی وجود دارد مستقیماً در دادگاه‌ها اجرا می‌شود؟ آیا هر فردی می‌تواند قانون را بر اساس قانون اساسی به چالش بکشد؟ آیا موارد قابل ذکر وجود دارد؟

پ. آیا قانون اساسی صلاحیت رویه‌های عرفی و دادگاه‌های سنتی را به رسمیت می‌شناسد؟ آن‌ها چه صلاحیت‌هایی دارند؟ آیا محدودیت‌هایی وجود دارد؟ چه محدودیت‌هایی؟ آیا در عمل دنبال می‌شود؟

ت. آیا قانون اساسی مشخص می‌کند که معاهده‌های منطقه‌ای و/یا بین‌المللی بعد از امضا به خودی خود قابل اجرا هستند؟ اگر نه، چه فرایندی برای گنجاندن معاهده‌نامه‌های منطقه‌ای/بین‌المللی در قوانین ملی وجود دارد؟

منابع: قانون اساسی؛ نشریه/روزنامه رسمی؛ کمیسیون‌های ملی حقوق بشر؛ قوانین تاسیس دادگاه‌ها؛ سیر حقوقی دادگاه قانون اساسی

افراد: قضات دادگاه قانون اساسی؛ منتشیان؛ وزیر دادگستری؛ اساتید حقوق؛ اعضای کانون وکلا؛ وزیر امور (زنان)؛ امور مربوط به جنسیت؛ کارکنان سازمان‌های مردمنهاد؛ وکلای معاضدت قضایی.

## ۳,۲ قوانین

الف. آیا فرایند نظام‌مندی برای مرور قوانین ملی وجود دارد تا تضمین‌کننده همخوانی این قوانین با مواد پیمان‌نامه‌ها و معاهده‌های بین‌المللی/منطقه‌ای باشد که کشور عضو آن است؟ آیا محتوای برخی از قوانین در حال اجرا و احضا با التزامات قانونی بین‌المللی/منطقه‌ای که کشور پذیرفته در تعارض است؟ آیا برخی قوانین در حال اجرا علیه زنان تبعیض‌آمیز است یا بر آنان تأثیر منفی می‌گذارد؟ آیا این قوانین منجر به محکومیت‌های ناعادلانه و خشن برای زنان یا عده زیادی از آنان در دوره بازداشت پیش از محاکمه و زندان شده است؟ آیا این قوانین در حال حاضر اعمال می‌شود؟ آیا قوانینی وجود دارد که مستقیماً به نابرابری جنسیتی رسیدگی کند؟ آیا قوانینی وجود دارد که مستقیماً به سوگیری، شامل سوگیری علیه افراد در خطر بالای اچ‌آی‌وی (برای مثال تن‌فروشان، همجنس‌گرایان زن و مرد، افراد دوجنس‌گرا و دوجنسیتی)، رسیدگی کند؟ آیا این قوانین اعمال می‌شود؟

ب. آیا قوانین مناسب برای پیشگیری از تبعیض، از جمله در محل کار (برای مثال تبعیض و اخراج به علت بارداری، دوره بعد از زایمان یا ازدواج، آزار جنسی در محل کار؛ و تبعیض علیه مردان و زنان با اچ‌آی‌وی/ایدز)، وجود دارد؟

پ. آیا سن پذیرش مسئولیت جنایی برای دختران و پسران یکسان است؟ آیا سن بلوغ را نظام دادرسی کیفری برای پسران و دختران یکسان در نظر می‌گیرد؟

ت. آیا فرایندهای موثری برای اصلاح قانون وجود دارد؟ آیا طرح‌های قابل توجهی برای اصلاح قوانین مرتبط با حقوق زنان وجود دارد؟ آیا تا کنون هیچ فرایند اصلاحی مسدود شده است و اگر این‌طور بوده، چرا؟ آیا یک کمیسیون دائمی اصلاح قانون وجود دارد؟ اگر بله، آیا زنان در آن عضویت دارند؟

ث. آیا قوانینی در حمایت از حقوق زنان وجود دارد؟ آیا قوانین جنایی وجود دارد که تضمین کند همه انواع خشونت علیه زنان جرم شمرده می‌شود (خشونت‌هایی از قبیل: اهانت، تجاوز، خشونت خانگی، تبعیض، خشونت جنسی، قاچاق انسان، آزار جنسی، رویه‌های سنتی آسیب‌رسان از جمله معیوب‌سازی دستگاه تناسلی زنان)؟ آیا تجاوز به درستی در قانون تعریف شده است؟ آیا تجاوز در ازدواج جرم شناخته می‌شود؟ آیا قوانینی در مورد ازدواج، حضانت فرزند و تملک اموال وجود دارد؟ اگر بله، آیا آن‌ها علیه زنان تبعیض‌آمیز هستند؟ آیا قوانین و مجازات‌ها با استانداردهای بین‌المللی مطابقت دارند (آیا تبعیض‌آمیز هستند)؟ آیا قوانینی اختصاصی علیه قاچاق انسان وجود دارد؟ آیا این قوانین هم به قاچاق داخلی و هم قاچاق بین‌کشورها رسیدگی می‌کند؟ آیا قوانین منع‌کننده روسپیگری وجود دارد (هم برای فروشنده و هم برای خریدار)؟ آیا این قوانین علیه زنان تبعیض‌آمیز است یا دفاعیه‌های تبعیض‌آمیز را وارد می‌داند؛ برای مثال اگر مجرم ادعای حیثیت یا تحریک شدن کند و به این ترتیب از مسئولیت جنایی فرار کند. آیا قوانینی در مورد مهاجرت وجود دارد؟ آیا این قوانین علیه زنان تبعیض‌آمیز است یا آن‌ها را به خشونت آسیب‌پذیر می‌کند؟ آیا قوانین حفاظت‌کننده از کودکان در برابر خشونت جنسی، سوءاستفاده جنسی، بهره‌کشی تجاری جنسی و آزار جنسی، از جمله جنایت‌هایی که از طریق فناوری‌های جدید شامل استفاده از اینترنت رخ می‌دهد وجود دارد؟ آیا ابزارهایی برای پیشگیری، حفاظت، توانمندسازی، و حمایت از بازماندگان جنایت، مجازات مناسب خلافکاران و تضمین جبران خسارت قربانیان وجود دارد؟

ج. آیا دامنه تصمیمات قانون مدنی به اختلاف‌های زناشویی، تصمیم‌گیری در مورد حضانت فرزند، و سایر جریان‌های قانونی در مورد خانواده رسیده است؟ آیا در موارد خشونت خانگی یا سوءاستفاده از کودک قانون حفاظت کافی را برای قربانیان و در جهت بهترین منفعت کودکان فراهم آورده است؟

چ. آیا قوانین در عمل به مرحله اجرا در می‌آید؟ آیا راه‌ها و ابزارهایی وجود دارد که برای پاسخ مؤثر به خشونت علیه زنان قوانین داخلی را به طور منظم و با در نظر گرفتن تمام ابزارهای قانونی بین‌المللی، مرور، ارزشیابی، و به‌روزرسانی کند؟ از جمله تضمین کند که چنین اقدام‌هایی مکمل و همخوان با پاسخ نظام دادرسی کیفری به چنین خشونت‌هایی است؟

قوانین الگو که بازتاب استانداردهای منطقه‌ای و بین‌المللی است، مانند چارچوب سازمان ملل برای قوانین مرتبط با خشونت علیه زنان<sup>۷</sup>، و کتابچه قوانین در مورد خشونت علیه زنان (اداره امور اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل، دفتر پیشرفت زنان، ۲۰۰۹) می‌توانند ابزارهای خوبی برای قانون‌گذاران و کمیسیون‌های اصلاح قانون باشند.

ح. آیا در قوانین داخلی محافظت از شاهد و مساعدت و محافظت از قربانی در نظر گرفته شده است؟ اگر چنین است، از چه نوعی است (آیا دستورالعمل‌ها از نوع محافظت‌کننده از شاهد/قربانی است یا از نوع محدودکننده است)؟ آیا تمهیدات خاصی برای تامین حمایت و مساعدت (جسمی، روانی، و اجتماعی) قربانیان خشونت مرتبط با جنسیت، شامل قاچاق انسان، در نظر گرفته شده است؟ آیا قوانین مسئولان را ملزم می‌کند که خدمات و اقدامات حفاظتی را بدون پیش‌داوری در مورد توانایی یا تمایل قربانیان به شرکت در مراحل تحقیق و پیگرد به‌کار گیرند؟

خ. آیا قوانین/رویه‌های عرفی برای رسیدگی به مسایل خانوادگی وجود دارد (ازدواج، طلاق، حضانت، یا وراثت)؟ آیا آن‌ها پیرو قوانین داخلی و قانون اساسی هستند؟ آیا با استانداردهای منطقه‌ای/بین‌المللی مطابقت دارند (آیا علیه زنان تبعیض می‌گذارند)؟ آیا قوانین سنتی/رویه‌های عرفی وجود دارد که به خشونت مرتبط با جنسیت پردازد (تجاوز، تجاوز در ازدواج، خشونت خانگی، و غیره)؟ آیا آن‌ها پیرو قوانین داخلی و قانون اساسی هستند؟ آیا با استانداردهای منطقه‌ای/بین‌المللی مطابقت دارند؟

د. آیا اخیراً یک عفو عمومی برای جرایمی که مرتبط با جنسیت خوانده می‌شود اعلام شده است (جرایم جنگی مرتبط با جنسیت، نسل‌کشی یا جنایت علیه بشریت، مانند تجاوز، ازدواج اجباری، بردگی جنسی)؟ آیا عموم مردم، عاملان حوزه دادرسی، سازمان‌های مردم‌نهاد یا گروه‌های حقوق بشر از این عفو انتقاد کردند؟

منابع: وزارت دادگستری؛ وزارت امور (زنان)؛ جنسیت؛ کمیسیون اصلاح قضایی؛ انجمن‌های زنان؛ مجمع ملی.

افراد: وزیر دادگستری و کارکنان وزارتخانه؛ وزیر امور (زنان)؛ امور مربوط به جنسیت و کارکنان وزارتخانه؛ مسؤول کمیسیون بازبینی قانون؛ قانون‌گذاران؛ سرپرستان کمیته‌ی قانون و کلا.

### ۳،۳ استانداردهای منطقه‌ای و بین‌المللی

الف. آیا کشور پیمان‌نامه‌های ملی و بین‌المللی عمده‌ی مرتبط با حقوق بشر را به تصویب رسانده است؛ به‌خصوص پیمان بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، پیمان بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی، پیمان حذف همه انواع تبعیض علیه زنان، معاهده حقوق کودک، معاهده مقابله با شکنجه و سایر اعمال بی‌رحمانه، برخورد غیرانسانی یا تحقیرآمیز یا مجازات، معاهده بین‌المللی محافظت از همه افراد در برابر آذمربایی، معاهده بین‌المللی حذف همه اشکال تبعیض نژادی و معاهده در مورد حقوق افراد با انواع ناتوانی؟ اگر خیر، چه ملاحظاتی وجود داشته است؟ آیا کشور به تعهد خود در قبال نهادهای پایش‌کننده پیمان‌نامه‌ها پایبندی دارد؟ آیا کشور این قوانین را در مجموعه قوانین داخلی خود وارد کرده است؟

ب. آیا کشور پروتکل پیشگیری، توقف، و مجازات قاچاق انسان، به‌خصوص زنان و کودکان را، مکمل عهدنامه سازمان ملل علیه جنایت سازمان‌یافته بین کشورها، امضا و تصویب کرده است؟

پ. آیا کشور قانون موضوعه رُم، درباره دادگاه جنایی بین‌الملل را امضا و تصویب کرده است؟ اگر بله، آیا در قوانین داخلی گنجانده شده است؟

ت. آیا هیچ شکایتی از دولت در نهادهای بین‌المللی حقوق بشر وجود دارد؟ اگر بله، چه شکایتی و چه زمانی بوده است؟ نتیجه آن چه بوده است؟

<sup>7</sup> [www.un.org/womenwatch/daw/egm/vaw\\_legislation\\_2008/vaw\\_legislation\\_2008.htm](http://www.un.org/womenwatch/daw/egm/vaw_legislation_2008/vaw_legislation_2008.htm)

ث. آیا در زمان لازم، کشور به تلاش‌های منطقه‌ای و بین‌المللی پیوسته است تا متخلفانی که به طور فاحش ناقض حقوق بشر (مانند تجاوز، ازدواج اجباری، و غیره) بوده‌اند را به دادگاه بکشاند؟

منابع: وبسایت‌ها و دبیرخانه‌های نهادهای بین‌المللی مرتبط؛ وزارت امور خارجه؛ وزارت امور (زنان)/ امور مربوط به جنسیت؛ کمیسیون ملی حقوق بشر.

افراد: گروه کشوری سازمان ملل؛ سازمان‌های مردم‌نهاد؛ کمیسیون‌های منطقه‌ای و بین‌المللی حقوق بشر؛ اعضای کمیته CEDAW؛ دادور مربوط به امور جنسیتی

#### ۴. سیستم انتظامی

برای اطلاعات بیشتر مراجعه کنید به: سیستم انتظامی، امنیت اجتماعی و ارائه خدمات پلیس؛ درست‌کاری و پاسخ‌گویی پلیس؛ بازپرسی جنایی؛ سیستم اطلاعات و امنیت پلیس؛ و پزشکی قانونی.

## ۴،۱ پلیس

تقریباً برای تمام خدمات پلیس، نقطه ارابه خدمت پاسگاه محلی پلیس (کلانتری محل) است و بنابراین فرهنگ، نگرش، و رفتار افسران محلی تأثیر به‌سزایی بر موفقیت آن و از سوی دیگر، بر تمام نظام دادرسی کیفری خواهد داشت.

الف. آیا پلیس جرایم مرتبط با جنسیت را (خشونت جنسی، خشونت خانگی، جرایم ناموسی، آزار جنسی، و غیره) یک دغدغه عمده برای جامعه می‌داند؟ آیا این جرایم را یک اولویت کاری محسوب می‌کند؟ آیا افسران پلیس در مورد مسایل مربوط به جنسیت، از جمله قوانین ملی، منطقه‌ای، و بین‌المللی و استانداردهای حقوق بشر آموزش می‌بینند؟ آیا تجدید آموزش‌های افسران پلیس در مورد قوانین جدید الزامی است؟ هرچند وقت یکبار؟ آیا در رسیدگی به جرایم مرتبط با جنسیت رهبری محسوسی در سلسله مراتب پلیس مشاهده می‌شود؟ چه سیاست‌ها و فرایندهایی در رابطه با جرایم مرتبط با جنسیت وجود دارد؟ آیا خارج از شهرهای بزرگ پاسگاه‌های پلیس در محل‌های قابل دسترسی قرار دارد؟

ب. آیا دستورالعمل‌ها، فرایندها، یا قوانینی وجود دارد که حدود اختیارات پلیس را در مورد دستگیری، وارد شدن به منازل و یا جستجوی آن‌ها مشخص کند؟ آیا این اطلاعات در اختیار افسران پلیس قرار دارد؟ آیا در عمل دنبال می‌شود؟ آیا پلیس ملزم به ثبت موارد خشونت خانگی در پرونده‌های خود حتی در صورت عدم پیگیری جنایی یا اقدام اداری در مورد آن است؟

پ. وقتی جرمی که بالقوه با جنسیت مرتبط است کشف می‌شود، اولین فردی که به صحنه جرم فراخوانده می‌شود کیست و محدوده اختیارات او تا کجاست؟ آیا از این فرد انتظار می‌رود که صحنه جرم را بررسی کند؟ آیا این شامل موارد خشونت جنسی است؟ چه نمونه‌هایی را باید جمع‌آوری کند؟ آیا این فرد آموزش خاصی در زمینه جرایم جنسی و مرتبط با جنسیت دیده است؟

ت. آیا دستورالعمل‌هایی برای شرح وظایف افسرانی که به موارد خشونت خانگی و تخلف جنسی می‌پردازند وجود دارد؟ آیا دستورالعمل، راهنما، خط مشی، یا بخش‌نامه‌ای در مورد نحوه رسیدگی به خشونت خانگی و قربانیان آسیب‌پذیر وجود دارد؟ آیا پلیس در مورد نحوه ارزیابی خطر آموزش دیده تا بتواند سطح خشونت یا وسعت آسیبی را که قربانی ممکن است در معرض آن باشد تعیین کند؟ آیا سیستم‌های نظارتی وجود دارد که بتواند هویت قربانی/شاهد را مکثوم نگهدارد و تضمین‌کننده صحت، امنیت، و آرامش آنان باشد؟ آیا بازماندگان جنایت قادر هستند که خشونت خانگی یا تهاجم جنسی را با زبان خود گزارش کنند؟ آیا امکان دارد یک شکایت را در پرونده‌های پلیس بی‌نام ثبت کرد؟ آیا یک پایگاه داده‌ها در مورد متخلفان جنسی وجود دارد؟ آیا پلیس احکام محافظتی یا ممانعتی را در اختیار دارد؟ آیا می‌تواند از این احکام استفاده کند؟ آیا آن‌ها در موارد خشونت خانگی یا تهاجم جنسی به‌کار گرفته می‌شوند؟ آیا به پلیس این اختیار داده شده است که در موارد خشونت علیه زنان احکام محافظتی یا ممانعتی را صادر و اعمال کند؟ مثلاً مهاجم را در موارد خشونت خانگی از خانه دور کند، او را از تماس با قربانی و سایر افرادی که در داخل و خارج از خانه به نحوی تحت تأثیر این خشونت قرار گرفته‌اند منع کند، احکامی در رابطه با حمایت و حضانت کودکان صادر کند و تنبیه‌هایی برای نقض این احکام صادر و اعمال کند؟

ث. آیا اولین فرد مسؤل که با قربانی در تماس است او را برای ارابه خدمات پزشکی، و/یا مراقبت و مشاوره به تسهیلات درمانی منتقل می‌کند؟ آیا بسته‌های درمانی برای قربانیان تجاوز به‌راحتی موجود و در دسترس است؟ آیا زنان قربانی آزمایش حاملگی می‌دهند و آیا تمام قربانیان تجاوز از نظر بیماری‌ها و عفونت‌های منتقل‌شونده از راه تماس جنسی آزمایش می‌شوند؟ آیا سرپناه و سایر منابع در اختیار قربانیان خشونت وجود دارد (خشونت خانگی یا توسط یک بیگانه)؟ آیا پلیس/بازرسان پزشکی با ارابه‌کنندگان این خدمات کار می‌کنند؟ از قربانیان سؤال می‌شود که آیا آنان مسؤلیت مراقبت و سرپرستی از کودک، سالمند، یا فرد دیگری را بر عهده دارند؟ آیا حمایت مناسب برای افراد تحت حمایت آنان فراهم می‌شود؟

ج. آیا همه افسرانی که در رابطه با قربانیان خشونت جنسی، خشونت خانگی و قاچاق انسان کار می‌کنند دوره‌های خاصی را در این زمینه گذارنده‌اند؟ آیا آموزش آنان استاندارد شده است؟ آیا مجموعه آموزشی وجود دارد؟ آیا واحدهای تخصصی یا افسران پلیسی که برای رسیدگی به موارد تهاجم جنسی یا قاچاق انسان آموزش ویژه دیده باشند وجود دارد؟ آیا در این واحدهای تخصصی زنانی به عنوان فرد مرجع گماشته شده‌اند؟ اگر نه، چرا نه؟ اگر افسران پلیس ویژه یا واحدهای تخصصی وجود دارند، آیا به‌راحتی در دسترس

قربانیان خشونت جنسی و خانگی در شهرها و مناطق روستایی هستند و مراجعه به آن‌ها آسان است (از نظر زبان، محل استقرار، ساعت‌های کار)؟ اگر نه، چرا نه؟ چگونه افسران پلیس برای خدمت در این واحد انتخاب می‌شوند؟ به طور متوسط پلیس در هر ماه به چه تعداد موارد خشونت خانگی و جنسی رسیدگی می‌کند؟ آیا بودجه خاصی برای رسیدگی به موارد مرتبط با جنسیت اختصاص می‌یابد؟

ج. آیا نیروهای دیگری هم هستند که در مقام پلیس انجام وظیفه می‌کنند: انتظامات اجتماعی؛ سازوکارهای انتظامی بر پایه رسوم یا فرهنگ و/یا ساختارهای نظامی؟ آیا آن‌ها برای رسیدگی به جرایم مرتبط با جنسیت از قبیل خشونت خانگی و قاچاق انسان آموزش دیده‌اند؟

ح. آیا راهبردهای پیشگیری از جرم وجود دارد؟ به چه چیزی می‌پردازد؟ آیا کارزارهای اجتماعی برای اطلاع شهروندان از این راهبردها، به‌خصوص افرادی که در معرض آسیب بیشتری هستند، وجود دارد؟

منابع: پاسگاه‌های محلی پلیس؛ فرایندها، دستورالعمل‌ها، و راهنماهای پلیس؛ مجموعه قوانین؛ واحدهای تخصصی؛ دانشکده پلیس؛ تسهیلات پزشکی قانونی/پزشکی؛ مواد آموزشی؛ سوابق ارتقای [افسران].

افراد: کارکنان دانشکده پلیس؛ افسران پلیس؛ فرماندهی پلیس؛ کارکنان واحدهای تخصصی؛ بازرسان پزشکی قانونی/پزشکی؛ دانش‌گاہیان؛ جامعه مدنی؛ سازمان‌های مردمنهاد.

## ۴,۲ درستکاری و پاسخ‌گویی پلیس

الف. هر جا که لازم شد، آیا افسران پلیس زن برای رسیدگی به زندانیان، قربانیان، و شاهدان زن در دسترس هستند؟ اگر نیستند چه اتفاقی می‌افتد؟ آیا افسران مرد بازرسی بدنی زنان زندانی یا بازداشت‌شده را انجام می‌دهند؟ آیا افسران مرد اجازه دارند با یک زن در سلول تنها باشند؟ آیا این اتفاق می‌افتد؟

نفع شخصی اولین انگیزه هر رفتار مجرمانه است. با توجه به مسؤولیت‌های خاص افسران پلیس و اعتماد ویژه‌ای که به آنان وجود دارد، ممکن است فرصت‌های زیادی برای سوءاستفاده از این اعتماد در جهت کسب پول یا سایر منافع بیابند. از طرفی، چون افسران پلیس اطلاعاتی از داخل خود نظام دادرسی کیفری دارند، آن را می‌شناسند و می‌توانند بر آن تأثیر بگذارند، اغلب در موقعیتی هستند که خود را از شناسایی شدن حفظ می‌کنند.

ب. آیا احتمال یا مدرکی مبنی بر رشوه‌گیری پلیس برای نادیده انگاشتن تخلفات جنایی مرتبط با جنسیت وجود دارد؟ آیا در داخل نیروی پلیس فرهنگ استتار گذاشتن یا سوءاستفاده به دلیل جنسیت وجود دارد؟

پ. آیا به نیروی پلیس آموزش‌هایی داده می‌شود که آنان را به مسایل جنسیتی از قبیل خشونت علیه زنان، قاچاق انسان، تبعیض، و آزار حساس کند؟ آیا آموزش استاندارد شده است؟ آیا مسایل مربوط به جنسیت در ساختار همه بخش‌های نیروی پلیس وارد شده است؟ آیا منعکس‌کننده استانداردهای منطقه‌ای و بین‌المللی است؟ آیا بودجه‌ای برای این آموزش اختصاص یافته است؟

ت. آیا همه افسران می‌توانند آموزش‌هایی را که در مورد خشونت جنسی، خشونت خانگی، تبعیض و آزار جنسی دیده‌اند شرح دهند؟ آیا می‌دانند اگر سؤالی دارند با چه کسی می‌توانند مشورت کنند؟ آیا می‌دانند که فرایند رسیدگی به مسایل/شکایت‌های داخلی آنان، اگر فرایندی وجود داشته باشد، چگونه است؟ این فرایند چگونه به اطلاع همه می‌رسد؟ فرایندها و سیاست‌های به‌روز شده چگونه به همه منتقل می‌شود؟

ث. آیا گزارش‌های منظمی از تهاجم‌های جنسی صورت گرفته توسط پلیس وجود دارد؟ اگر بله، آیا یک گروه خاص بیشتر هدف قرار می‌گیرد؟ آیا گزارش‌های منظمی از آزار جنسی توسط پلیس وجود دارد؟ اگر بله، یک گروه خاص بیشتر هدف قرار می‌گیرد؟

ج. آیا سیستم‌های انضباطی و سازوکارهایی برای اطمینان از بررسی و تحقیق شکایت‌های مطرح‌شده علیه پلیس وجود دارد؟ آیا عموم مردم این سیستم‌ها و سازوکارها را می‌شناسند و به آن‌ها دسترسی دارند؟

منابع: نهادهای حقوق بشر؛ کمیسیون ملی حقوق بشر؛ دفتر دادستان؛ سرفرماندهی پلیس؛ سازمان‌های مردم‌نهاد.

افراد: رییس پلیس؛ رؤسای واحدهای مربوط به امور جنسیتی؛ قربانیان/بازماندگان جرایم مرتبط با جنسیت؛ بازپرسان؛ گروه‌های زنان؛ دادور.

### ۴,۳ پزشکی قانونی

الف. آیا جعبه‌ابزار مخصوص برای جمع‌آوری شواهد در رابطه با جرایم خشونت جنسی وجود دارد؟ آیا استاندارد شده است (برای مثال یک ابزاردان با همه وسایل و مواد مورد نیاز)؟ آیا این جعبه ابزار در سطح ملی یا محلی تهیه شده است؟ آیا مطابق با استانداردها است؟ آیا آموزش اختصاصی برای استفاده از این جعبه‌ها ارائه می‌شود؟ آیا هم در مناطق شهری و هم روستایی به‌آسانی قابل دسترسی است؟ چه کسی به این جعبه‌ها دسترسی دارد؟ آیا استفاده می‌شود؟ آیا می‌توان داده‌های قابل استخراج از این جعبه‌ها را به‌عنوان مدرک در مراحل دادگاه استفاده کرد؟ آیا استفاده می‌شود؟

ب. آیا یک واحد خدمات پزشکی قانونی وجود دارد؟ آیا این واحد آزمایشگاه‌های محلی قابل دسترسی برای همه بازپرسان در اختیار دارد یا فقط آزمایشگاه مرکزی وجود دارد؟ واحد خدمات پزشکی قانونی، یا معادل آن، اثر انگشت و DNA را هم بررسی می‌کند؟ آیا داده‌های پزشکی قانونی به‌عنوان مدرک در مراحل دادگاه استفاده می‌شود؟

پ. آیا معمولاً عوامل نظام دادرسی کیفری (دادستان‌ها، وکلا، دادگاه‌ها) گزارش یافته‌های مؤسسه‌های پزشکی قانونی را در ارتباط با جرایم خشونت جنسیتی می‌پذیرند؟ آیا این داده‌ها را در حمایت از فرایند دادرسی کیفری در نظر می‌گیرند؟

منابع: پلیس؛ مؤسسه پزشکی قانونی؛ سازمان‌های مردم‌نهاد؛ نهادهای حقوق بشر.

افراد: افسران پلیس و پزشکی قانونی؛ کانون وکلا؛ افسران معادلت قضایی؛ مربیان پزشکی قانونی؛ کارکنان بخش سلامت.

### ۴,۴ افسران پلیس زن

تحقیق مرکز ملی نیروی انتظامی و پلیس (ایالات متحده آمریکا) نشان می‌دهد که سبک افسران پلیس زن در برقراری امنیت از مردان متفاوت است چرا که کمتر متوسل به برخورد فیزیکی می‌شوند، بهتر می‌توانند مواجهه‌های بالقوه خشن با شهروندان را آرام و محدود کنند، و کمتر احتمال دارد درگیر مشکلات ناشی از برخوردهای شدید شوند. به‌علاوه، افسران پلیس زن اغلب مهارت‌های ارتباطی بهتری در مقایسه با هم‌تایان مرد خود دارند و بهتر می‌توانند همکاری و اعتمادی را که لازمه یک مدل انتظامی اجتماعی است تسهیل کنند. علی‌رغم این مسایل، زنان حضور کم‌رنگی در بیش‌تر شعب پلیس دارند. گستردگی رویه‌های تبعیض‌آمیز در گزینش و استخدام می‌تواند تعداد زنان را در نیروی انتظامی به‌طور مصنوعی پایین نگه دارد.

الف. چه فرایندهایی برای استخدام و الحاق به نیروی پلیس وجود دارد؟ آیا درخواست استخدام برای همه بخش‌های جامعه آزاد است؟ آیا سیاست ضد تبعیض در این زمینه وجود دارد؟

ب. چه فرایندهایی برای تشویق و حمایت متقاضیان (استخدام) از گروه‌های کمتر مطرح جامعه، از جمله زنان، وجود دارد؟ چقدر پلیس معرف جامعه است؟ آیا آن‌ها در محله‌ها و بین مردم زندگی می‌کنند؟ آیا فرزندان‌شان به مدرسه‌های محل می‌روند؟ آیا آن‌ها به زبان(های) مردم محل صحبت می‌کنند؟

پ. چه تعداد افسر پلیس زن وجود دارد؟ نسبت زن به مرد در میان افسران پلیس چقدر است؟

ت. ارتقای درجه چگونه تعلق می‌گیرد؟ آیا ارزیابی هدفمند و مستقلی وجود دارد؟ چه تعداد زن در مناصب فرماندهی/ارشد قرار دارند؟ نسبت مردان به زنان در مناصب ارشد چقدر است؟

منابع: سرفرماندهی پلیس؛ پاسگاه‌های محلی پلیس؛ گروه‌های زنان؛ سازمان‌های مردمنهاد

افراد: افسران پلیس؛ افسران و مدیران زنان؛ دانشکده پلیس؛ گروه‌های زنان.

## ۵. دسترسی به نظام دادرسی

### ۵,۱ دادگاه‌ها

لطفاً برای اطلاع از مسایل عمومی و اطلاعات بیشتر مراجعه کنید به دسترسی به نظام دادرسی: دادگاه‌ها



دادگاه‌هایی که مسؤل مسایل جنسیتی هستند دسترسی به دادرسی را برای همه، از جمله قربانیان جرایم مرتبط با جنسیت، فراهم می‌کنند، مسایل همراه با سوگیری را شناسایی و بررسی می‌کنند، و زنان و مردان را به مشارکت کامل در همه سطوح دادرسی تشویق می‌کنند.

الف. چه سطوحی از دادگاه وجود دارد؟ در هر سطح چه تعداد دادگاه وجود دارد؟ آن‌ها در کجا قرار دارند؟ آیا کارکرد فعال دارند؟ آیا در دسترس زنان در مناطق روستایی هستند (یا آن‌قدر گران و دور هستند که بسیاری از زنان به آن‌ها دسترسی ندارند)؟ چند دادگاه خارج از پایتخت/شهرهای اصلی فعالیت دارند؟ آیا از نظر نیروی انسانی کاملاً تجهیز شده‌اند؟

ب. چه تعداد مترجم حقوقی وابسته به دادگاه‌ها وجود دارد؟ آیا به زبان‌های محلی صحبت می‌کنند؟ آیا در مورد زبان/مختصات جرایم مرتبط با جنسیت آموزش دیده‌اند؟ آیا قضات، دادستان‌ها، و وکلا به دادگاه‌های محلی مأمور می‌شوند؟

پ. چه دعوی حقوقی را زنان در دادگاه‌ها ثبت می‌کنند؟ آیا بر حسب نوع دادگاه این دعوی متفاوت است؟ آیا با توجه به موقعیت جغرافیایی، سطح اقتصادی، یا وضعیت قومیتی تفاوت می‌کند؟

ت. آیا دادگاه‌های ویژه برای بررسی جرایم خشونت جنسی وجود دارد (مانند دادگاه‌های رسیدگی به تجاوز، دادگاه‌های رسیدگی به خشونت جنسی، دادگاه‌های مرتبط با مسایل جنسیتی، دادگاه‌های سیار، دادگاه‌های سریع‌العمل)؟ هرماه چند مورد ثبت می‌شود؟ چه درصدی از این موارد به استحضار دادگاه می‌رسد؟ چه درصدی از ادعاها رد شده و مختومه اعلام می‌شود و چرا؟ در چه درصدی از موارد حکمی به نفع قربانی صادر می‌شود؟ در چه درصدی از موارد قربانی مقصر شناخته می‌شود (مثلاً در مورد تجاوز قربانی محکوم به زنا شناخته می‌شود)؟ اگر قربانی شکایت خود را پس بگیرد، آیا اهانت به دادگاه شمرده می‌شود؟ آیا نوعی جرم یا خلاف محسوب می‌شود؟

ث. آیا در زمان انتظار برای رسیدگی به اتهام، به‌خصوص در موارد اتهام خشونت، تسهیلاتی در اختیار قربانیان قرار می‌گیرد تا برای پیشگیری از قرار گرفتن در معرض تهدید و ارباب در محلی مجزا از متهم نگهداری شوند؟ آیا تسهیلاتی برای حضور کودکان در دادگاه وجود دارد؟ آیا دستورالعمل‌ها و فرایندهایی در مورد حضور کودکان در دادگاه، استماع مذاکرات آن، یا ارایه توضیحاتی به آن‌ها در مورد آنچه دارد برای والدشان رخ می‌دهد وجود دارد؟ آیا محدودیت‌هایی در مورد تماس (با کودک) وجود دارد؟ آیا این دستورالعمل‌ها، فرایندها یا محدودیت‌ها در جهت بهترین منفعت کودک است؟ آیا نظام دادرسی به منابع حمایتی (روان‌شناختی، پزشکی) برای بازماندگان/قربانیان جرایم مرتبط با جنسیت دسترسی دارد؟ آیا دادگاه می‌تواند در موارد خشونت احکام حمایتی صادر کند؟ چه اشکالی از حمایت در دسترس است؟ آیا دادگاه بودجه‌ای برای رسیدگی به مسایل مرتبط با جنسیت در اختیار دارد؟ در موارد خشونت آیا قربانی می‌تواند پشت یک پرده یا از طریق دوربین راه دور، و غیره، شهادت دهد؟ آیا بر مبنای التزامات قانون اساسی، این ناقض حق متهم برای مواجهه با شاکی نیست؟

ج. آیا حق الزحمه‌های دادگاه، به‌خصوص در موارد جرایم مرتبط با جنسیت، مانع از دسترسی به دادرسی می‌شود؟ آیا پرداخت‌های غیرقانونی مانع از دسترسی به دادگاه می‌شود؟ آیا کارمندان اجرایی دادگاه از زنان مراجعی که برای ارایه و ثبت دعوی حقوقی خود آمده‌اند، درآمدهای غیرقانونی کسب می‌کنند؟

چ. آیا احکامی که در مورد تخلفات جنسی و خشونت خانگی صادر می‌شود منعکس‌کننده شدت آن تخلف است؟ آیا محکومیت‌های حداقل و حداکثر در عمل مشکلاتی را ایجاد می‌کند؟ سیاست‌ها، فرایندها، و اهداف صدور احکام چه هستند؟ آیا در عمل اجرا می‌شوند؟ آیا قاضیان می‌توانند احکام سنگین‌تری را به دلیل عوامل تشدیدکننده، مانند تکرار اعمال خشونت‌آمیز یا سوءاستفاده از مسؤولیت یا موقعیتی که مورد اعتماد بوده، و یا غیره، صادر کنند؟ آیا ادعای زنان قربانی خشونت مبنی بر دفاع از خود، به‌خصوص در سندرم زنان کتک‌خورده<sup>۸</sup>، در مراحل تحقیق، پیگرد، و صدور حکم علیه خود آن‌ها استفاده می‌شود؟

<sup>۸</sup> سندرم زن کتک‌خورده برای زنانی به‌کار می‌رود که به دلیل تکرار اعمال خشونت‌آمیز توسط شریک زندگی از افسردگی رنج می‌برند و نمی‌توانند برای فرار از این سوءاستفاده تصمیم مستقلی اتخاذ کنند (مثلاً ادعای اتهام علیه وی یا پذیرفتن پیشنهاد کمک).

ح. آیا در فرایندهای کیفری اعتبار یک شکایت مرتبط با خشونت جنسی به اندازه شکایت‌ها دیگر است؟ آیا در عمل این مساله اجرا می‌شود؟ آیا در فرایند کیفری قاضی به شاکی اجازه می‌دهد که تاریخچه‌ای از مسایل جنسی اتفاق افتاده را ارایه کند؟ اگر بله، در چه شرایطی؟

خ. آیا امکان جبران خسارت از طریق نظام دادرسی کیفری برای قربانیان خشونت مرتبط با جنسیت، شامل قاچاق انسان، وجود دارد؟ منابع: وزارت دادگستری؛ وزارت مسؤول (امور) زندان‌ها؛ نهادهای حقوق بشر؛ سازمان‌های مردمنهاد؛ گروه‌های زنان؛ دانشکده حقوق. افراد: قربانیان/بازماندگان؛ کارکنان دادگاه؛ متشیان دادگاه؛ دادستان‌ها؛ وکلای مدافع؛ سازمان‌های مردمنهاد؛ دانشجویان/اساتید حقوق.

### دادگاه‌های سنتی/عرفی

الف. آیا نظام دادگاه‌های سنتی یا عرفی وجود دارد؟ آیا اثرگذار است؟ آیا چنین دادگاه‌هایی را قانون اساسی به رسمیت می‌شناسد؟ آیا قوانینی در رابطه با دادگاه‌های سنتی وجود دارد؟ آیا محدودیت‌هایی در حوزه قضایی دادگاه‌های سنتی و احکامی که می‌تواند در مسایل جنایی صادر کند وجود دارد؟ آیا آن‌ها سوءگیری جنسیتی دارند؟ اگر بله، به چه شکلی؟

ب. آیا زنان زیاد به دادگاه‌های سنتی مراجعه می‌کنند؟ چه مواردی را زنان بیشتر به این دادگاه‌ها می‌برند؟ چرا؟ آیا مراجعه به دادگاه‌های سنتی برای رسیدگی به مسایل خانوادگی مانند ازدواج، حضانت، و ارث زیاد است؟

پ. آیا رهبران/قاضیان سنتی در دادگاه‌های سنتی/مذهبی در مورد حقوق بشر، به‌ویژه حقوق زنان، آموزش خاصی می‌بینند؟ آیا امکان استماع همه مستندات مربوط به موارد خشونت خانگی و جنسی در دادگاه‌های سنتی وجود دارد؟ اگر نه، آیا آن را در عمل می‌پذیرند؟ چه مجازات‌هایی برای به خشونت جنسی، شامل تجاوز در ازدواج تعلق می‌گیرد؟ آیا تصمیمات دادگاه‌های سنتی/مذهبی مکتوب و سوابق آن ثبت می‌شود؟ آیا قابل دسترسی است؟

ت. چه تصویری عموماً از قربانیان خشونت خانگی و جنسی در دادگاه‌های سنتی وجود دارد؟ چه تصویری در جامعه وجود دارد؟ آیا آگاهی عمومی در مورد استانداردهای منطقه‌ای و بین‌المللی حقوق بشر و برابری زنان وجود دارد؟

ث. آیا قانون عرفی در سیستم رسمی دادگاه به رسمیت شناخته می‌شود؟ آیا دادگاه‌های سنتی بودجه‌ای از دولت می‌گیرند؟ از سایر منابع چه؟ آیا به دادگاه‌های رسمی مرتبط هستند (برای مثال برای ارجاع موارد و استیناف)؟ آیا برای هماهنگ‌سازی دادگاه‌های سنتی با سیستم رسمی تلاشی صورت گرفته است؟

منابع: قانون اساسی؛ قوانین؛ وزارت دادگستری؛ وزارت مربوط به امور جنسیت؛ دادگاه‌های سنتی.

افراد: رهبران سنتی (زن و مرد)؛ دادستان‌ها؛ اساتید متخصص در حقوق سنتی؛ رهبران اجتماعی؛ گروه‌های زنان.

### دادرسی انتقالی

الف. آیا شرایط بعد از نزاع در محل وجود دارد؟ آیا دادگاه‌هایی هستند که حوزه قضایی‌شان منحصر به جرایم سنگین مانند جنایت علیه بشریت، جرایم جنگی، نسل‌کشی و شکنجه باشد؟ چه نوع دادگاهی است؟ آیا عملکرد مؤثر دارد؟

ب. آیا حوزه قضایی این دادگاه به آن اجازه سمع جرایم مرتبط با جنسیت از قبیل تجاوز، بهرمکشی جنسی، ازدواج اجباری، قاچاق انسان و غیره را می‌دهد؟ آیا این حوزه قضایی را با دادگاه‌های ملی به اشتراک می‌گذارد؟ آیا این جرایم در قانون موضوعه‌ی تشکیل-دهنده دادگاه تعریف شده است؟

پ. آیا این دادگاه واحد مربوط به امور جنسیتی برای جرایم مرتبط با جنسیت دارد؟ آیا دادستان‌ها و بازپرسان در مورد جرایمی که ماهیت جنسیتی دارند آموزش ویژه دیده‌اند؟ چه تعداد جرم از نوع خشونت مرتبط با جنسیت در دادگاه پرونده شده‌اند؟ چه تعدادی به سمع دادگاه رسیده است؟ آیا محکومیتی صادر شده است؟

ت. آیا فرایندهای دادگاه برای قربانیان تسهیل شده‌اند؟ چه خدماتی به قربانیان ارائه می‌شود؟

ث. آیا جامعه، سازمان‌های مردم‌نهاد، نهادهای بین‌المللی و حامیان مالی، دادگاه را در رابطه با جرایمی از نوع خشونت مرتبط با جنسیت مشروع می‌دانند؟

منابع: دادگاه بین‌المللی؛ سازمان‌های مردم‌نهاد؛ حامیان مالی؛ دفاتر کشوری سازمان ملل.

افراد: قضات؛ دادستان‌ها؛ بازپرسان؛ وکلای مدافع؛ سازمان‌های مردم‌نهاد؛ جامعه مدنی.

### کارکنان دادگاه

الف. چه تعدادی از قاضیان و رؤسای دادگاه‌های بخش زن هستند؟ آیا زنانی هستند که در قوه قضاییه صاحب منصب باشند؟ نسبت زنان به مردان چقدر است؟ چه سیستم‌هایی برای انتصاب/ارتقای قاضیان وجود دارد؟ آیا انجمن زنان قاضی وجود دارد؟

ب. آیا ادامه تحصیلات قضایی الزامی است؟ آیا آموزش برابری جنسیتی بخشی از درس‌نامه آموزشی است؟ آیا قوانین و استانداردهای محلی، منطقه‌ای و بین‌المللی در مورد خشونت مرتبط با جنسیت، قاچاق انسان، و تبعیض در درس‌نامه گنجانده شده است؟ آیا متخصصان داخلی باکفایت برای آموزش این دوره‌ها وجود دارند؟

سیستم دادگاه برای داشتن کارکرد مناسب و فراهم آوردن زمینه دسترسی مردم به نظام دادرسی به کارکنان پشتیبانی خود تکیه دارد. کارکنان دادگاه روزانه با حجم زیادی از اطلاعات حساس سروکار دارند که باید به‌درستی ثبت و نگهداری شود. اشتباه و از قلم افتادن در ثبت اطلاعات می‌تواند بر زندگی و معیشت افراد تاثیر گذارد. افشای بی‌مورد یک مساله می‌تواند بر پیامد یک دعوی قضایی اثر داشته باشد و شاهدان را در معرض خطر قرار دهد. سیستم‌های دادگاهی که مدیریت و نظارت قوی دارند، متقاضیان با کفایت را از طریق فرایند شفاف‌گزینه‌های استخدام می‌کنند، کارکنان خود را به‌عنوان افراد متخصص نگاه کرده و تامین مالی مناسبی برای آنان فراهم کرده، و با آموزش مداوم مهارت‌ها و عملکرد آنان را توسعه و تقویت می‌کنند، در عوض می‌توانند از آنان انتظار بالاترین کیفیت کار و درستی‌کاری را داشته باشند. هر جا که تامین نیروی انسانی دادگاه اولویت در نظر گرفته نمی‌شود یا مدیریت وظایف کارکنان را به‌عنوان کارمندان دولت به آنان منتقل نمی‌کند، بیش‌تر احتمال دارد که بی‌کفایتی، کیفیت پایین خدمات، و فساد مالی چالش‌های پیش روی نظام قضایی و مراجعان آن باشد. در این زمینه می‌توان از اصول رفتاری برای کارکنان دادگاه، ضمیمه به گزارش چهارمین نشست گروه سلامت قضایی (UNODC)\* راهنمایی گرفت.

\*Report of the Fourth Meeting of the Judicial Integrity Group, Vienna 27-28 October 2005, in: [www.unodc.org/pdf/corruption/publication\\_jig4.pdf](http://www.unodc.org/pdf/corruption/publication_jig4.pdf)

پ. چه کسی مسئول مدیریت دادگاه است؟ آیا به تعداد کافی کارکنان اجرایی آموزش‌دیده و باکفایت (منشیان، مترجمان، و غیره) وجود دارند؟ نسبت مردان به زنان چقدر است؟ آیا قاضیان و کارکنان آموزش کافی برای آگاه‌سازی در مورد مسایل جنسیتی دریافت می‌کنند (آیا درباره ماهیت و تاثیرات احتمالی تخلفات جنسی، قاچاق انسان، تبعیض و آزار و همچنین قوانین مربوطه داخلی، منطقه‌ای، و بین‌المللی آموزش می‌بینند)؟ آیا آموزش استاندارد شده است؟ آیا یک راهنما در این زمینه وجود دارد؟ آیا بودجه‌ای برای آموزش وجود دارد؟

ت. آیا ضوابط رفتاری و سیستم‌های دیگری وجود دارد که تضمین کند کارکنان به همه شهروندان خدماتی کارآمد و بدون تبعیض ارائه می‌دهند؟ آیا حقوق قاضیان و کارکنان دادگاه مرتب پرداخت می‌شود؟ آیا روالی وجود دارد که کارکنان بتوانند آزار جنسی را گزارش دهند؟

ث. آیا مجموعه قوانین، به‌خصوص قوانینی که بر زنان تاثیر می‌گذارد، به‌راحتی در دسترس کارکنان نظام قضایی و دیگران قرار دارد (مانند قوانین مرتبط با خشونت جنسی، خشونت خانگی، ازدواج، حضانت، وراثت، مالکیت اموال، آزار جنسی، قاچاق انسان، و غیره)؟ آیا دسترسی وسیع به متن کامل مجموعه قوانینی که دولت منتشر می‌کند وجود دارد؟ آیا دنبال کردن و دسترسی به اصلحیه‌های قانون آسان است (بنابراین یک وکیل یا قاضی می‌تواند مطمئن باشد که متن صحیح آخرین مجموعه قوانین را در اختیار دارد)؟ آیا گزارش‌های به‌روز شده منظم و به‌موقع در اختیار همه مجتمع‌های دادگاهی در شهرها و مناطق روستایی قرار می‌گیرد؟ آیا آن‌ها با زبان‌های محلی در دسترس هستند؟

ج. آیا سیر و جریان تصمیمات دادگاه به‌آسانی در دسترس قاضیان، کارکنان نظام قضایی و دیگران قرار دارد؟ آیا گزارش‌های قانونی منظم منتشر شده و با قیمت مناسب در اختیار همگان قرار دارد؟ اگر نه، آیا متن دادرسی به‌نحوی در اختیار عموم قرار می‌گیرد؟ آیا رونوشتی از متن دادرسی در اختیار طرفین دعوا قرار می‌گیرد؟ آیا به زبانی است که برایشان مفهوم باشد؟

چ. آیا معاهده‌ها/پیمان‌نامه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی به‌آسانی در اختیار قاضیان، وکلا، و کارکنان دادگاه قرار دارد؟ آیا تفاسیر حقوقی که متخصصان ارایه می‌کنند به‌راحتی در دسترس است؟ آیا مقاله‌هایی در مورد تفسیر به‌کارگیری قوانین وجود دارد؟

ح. آیا دادگاه اجازه ارایه دادخواست‌های "داوطلب کمک به دادگاه"<sup>۹</sup> را می‌دهد؟ آیا متخصصانی هستند که بتوانند هر جا که التزامات منطقه‌ای و بین‌المللی و قوانین بین‌المللی حقوق بشر کاربرد دارد، به‌خصوص در موارد مرتبط با جنسیت، گزارش "داوطلب کمک به دادگاه" را ارایه دهند؟ آیا دادگاه پذیرای چنین گزارشی است؟

خ. آیا زنان و گروه‌های زنان به‌آسانی به اطلاعات مربوط به نظام دادرسی دسترسی دارند؟ آیا محدودیتی در دسترسی به موارد خشونت جنسی و خانگی و گزارش آن برای روزنامه‌نگاران وجود دارد (یا سایر جرایم مرتبط با جنسیت)؟ آیا سیستم‌هایی برای حفظ هویت قربانیان خشونت مرتبط با جنسیت وجود دارد؟

منابع: قوه قضاییه؛ وزارت دادگستری؛ کانون وکلا؛ سازمان‌های مردم‌نهاد؛ هیات علمی دانشکده حقوق.

افراد: قضات؛ منشیان؛ مترجمان؛ رؤسای دادگاه بخش؛ مراجعان دادگاه؛ دادستان‌ها؛ وکلای مدافع.

## ۵,۲ پیگرد قانونی

لطفاً برای اطلاعات بیشتر مراجعه کنید به: دسترسی به دادرسی: سیستم پیگرد قانونی

الف. آیا دادستان‌ها در همه حوزه‌های قضایی از جمله در مناطق روستایی حضور دارند؟ آیا زنان، به‌خصوص در مناطق روستایی، به‌راحتی به آنان دسترسی دارند؟ آیا به زبان محلی صحبت می‌کنند؟ آیا بودجه‌ای وجود دارد که دادستان‌ها بتوانند به مناطق خارج از محدوده دسترسی پیدا کنند؟

ب. چگونه سیستم دادستانی تلاش می‌کند نیازهای قربانیان آسیب‌پذیر را دریابد (سوءاستفاده جنسی، خشونت خانگی یا قاچاق انسان)؟ آیا سیستم دادستانی واحدهای تخصصی برای پیگرد جرایم مرتبط به قربانیان آسیب‌پذیر دارد؟ آیا خدمات آن‌ها در دسترس زنان در شهرهای بزرگ و مناطق روستایی قرار دارد؟ آیا دادستان‌ها و کارکنانی که با قربانیان آسیب‌پذیر کار می‌کنند از نیازهای خاص آنان و حساسیت‌هایی که در کار با چنین قربانیانی وجود دارد آگاه هستند؟ آیا دادستان‌ها در مورد جرایم مرتبط با جنسیت و قوانین و استانداردهای ملی، منطقه‌ای، و بین‌المللی آموزش دیده‌اند؟ آیا بودجه‌ای برای آموزش در مورد جنسیت و حساس‌سازی نسبت به آن وجود دارد؟

پ. چه خدماتی را کارکنان دادستانی ارایه می‌دهند؟ آیا کارکنان دادستانی ترتیب انتقال قربانیان و شاهدانی را که وسیله‌ای برای آمدن به دادگاه را ندارند فراهم می‌کنند؟ آیا محل‌های مجزایی برای انتظار نوبت دادگاه و/یا شهادت وجود دارد که بتوان بدون احتمال رویارویی با متهم در آنجا ماند؟

ت. آیا کارکنان سیستم دادستانی با سازمان‌های مردم‌نهاد و سیستم‌های خدمات‌رسانی جامعه مدنی همکاری دارند؟ آیا به قربانیان و شاهدان اطلاعاتی درباره خدمات موجود ارایه می‌کنند؟ چگونه؟ چه خدمات و حمایت‌هایی فراهم است؟ آیا این اطلاعات به زبان‌های محلی در دسترس است؟

<sup>9</sup> amicus curiae

ث. آیا واحدهای تخصصی برای جرایم مرتبط با جنسیت وجود دارد؟ آیا دادستان‌هایی که در این واحدهای تخصصی گماشته شده‌اند آموزش‌های تخصصی درباره کارکرد آن دیده‌اند؟

ج. آیا دادستان‌هایی که به تخلف‌های جنسی و خشونت رسیدگی می‌کنند برای کار با قربانیان این جرایم آموزش می‌بینند؟ آیا در مورد آن دسته از فنون مصاحبه که کمک می‌کند آسیب به قربانیان به حداقل رسد و از طرفی خط خاصی به مصاحبه داده نشود آموزش می‌بینند؟ آیا دادستان‌هایی که به خشونت خانگی می‌پردازند در مورد فعل و انفعالات منجر به خشونت خانگی و پاسخ‌های مؤثر قوه قضاییه به آن آموزش دیده‌اند؟

چ. آیا دادستان‌ها قانوناً ملزم به پذیرش نتایج تحقیقات پلیس در موارد خشونت خانگی و خشونت مرتبط با جنسیت هستند؟ آیا تصمیم در مورد تعقیب این موارد بسته به صلاحدید دادستان است؟ بر چه اساسی این کار صورت می‌گیرد؟ چقدر ممکن است یک دادستان از پیگیری جرایم مرتبط با جنسیت امتناع کند (خشونت خانگی، خشونت جنسی، آزار جنسی، و تبعیض)؟ چرا امتناع می‌کند؟ آیا این مساله بررسی می‌شود، و اگر بله توسط چه کسی؟ چه سیاستی در رابطه با جرایم مرتبط با جنسیت وجود دارد؟ ساختار ارتباط با پلیس، اگر موجود باشد، چگونه است؟

ح. آیا واحد دادستانی بازپرسان خود را دارد؟ آیا آموزش ویژه‌ای در مورد خشونت جنسی، آزار، تبعیض، و قاچاق انسان دیده‌اند؟

خ. آیا پرداخت غرامت در موارد خاص حقوقی مرتبط با جنسیت می‌تواند مبنای تصمیم دادستان بر عدم پیگیری آن مورد باشد؟ آیا در این موارد، حمایت‌هایی وجود دارد که تضمین کند توانایی پرداخت غرامت توفیق ناعادلانه‌ای برای افراد متمول ایجاد نمی‌کند؟ آیا مواردی هست که پرداخت غرامت قانوناً ممنوع باشد اما به‌عنوان رویه‌ای مرسوم ادامه یابد (مثلاً در موارد تجاوز به پدر یا همسر غرامت پرداخت شود؛ یا از قربانی بخواهند با متجاوز ازدواج کند)؟

در موارد خشونت خانگی یا خشونت جنسی که توازن قدرت به علت استفاده یک طرف دعوا از خشونت به هم می‌خورد، استفاده از میانجیگری را نامناسب می‌دانند. اگر قوانین سنتی یا رویه‌های عرفی علیه زنان تبعیض‌آمیز باشد، سوق مسیر دادرسی به سمت نظام‌های سنتی نامناسب خواهد بود.

د. آیا دادستان صلاحیت ارجاع موارد مرتبط با جنسیت را به سایر جایگزین‌های پیگرد کیفری مانند میانجیگری یا سایر نظام‌های دادرسی ترمیمی را دارد؟ اگر بله، آیا نیازی به موافقت قربانی یا تایید قضایی است؟ آیا برای ارجاع موارد محدودیتی وجود دارد (برای مثال خشونت خانگی، تجاوز، آزار جنسی)؟

ذ. چه تعداد از دادستان‌ها زن هستند؟ نسبت زنان به مردان چقدر است؟ چه معیارهایی برای انتخاب دادستان‌ها وجود دارد؟ آیا معیارها عینی است؟ آیا بر کفایت و درستکاری تمرکز دارد؟ آیا قواعدی در رابطه با تبعیض مرتبط با جنس و/یا جنسیت وجود دارد؟

ر. آیا زنان در مناصب مدیریتی قرار دارند؟ نسبت زنان به مردان چقدر است؟ آیا رویه ارتقای دادستان‌ها به صورت مکتوب موجود است؟ آیا فرایند ارتقا بر مبنای معیارهای عینی مانند کفایت‌های حرفه‌ای، کارایی، درستکاری، و تجربه است؟ اگر نه، مبنای ارتقا چیست؟ آیا فرایند رقابتی برای مناصب ارشدتر یا مناصب نظارتی وجود دارد؛ مثلاً درخواست رسمی یا مصاحبه؟ آیا انجمن زنان دادستان وجود دارد؟

ز. آیا بی‌طرفی در اجرای وظایف و اجتناب از هرگونه تبعیض از جمله تبعیض سیاسی، اجتماعی، دینی، نژادی، فرهنگی، جنسی و جنسیتی برای دادستان‌ها الزامی است؟ آیا به دادستان‌ها مفهوم بی‌طرفی و اجتناب از تبعیض آموزش داده می‌شود؟ آیا بودجه برای این آموزش وجود دارد؟

س. علاوه بر ضوابط اخلاقی موجود در قانون یا احکام، آیا سیستم دادستانی در رابطه با آزار جنسی ضوابط داخلی اخلاقی یا رفتاری تدوین کرده است؟ آیا این ضوابط بخشی از راهنمای خطمشی و فرایندها (در صورت وجود چنین راهنمایی) است؟ چه چیزی را پوشش می‌دهد؟ آیا حاوی احکامی در رابطه با گزارش شکایات آزار جنسی است؟ اظهارات مبنی بر آزار جنسی چگونه بررسی می‌شود؟ آیا یک سیستم انضباطی رسمی وجود دارد؟

منابع: وزارت دادگستری؛ دفتر دادستان؛ وزارتخانه‌ای که نیروی پلیس را نظارت می‌کند؛ پلیس.

افراد: دادستان کل؛ دادستان‌ها (هم داخل و هم خارج از پایتخت)؛ دادستان‌های زن؛ افسران پلیس و قاضیان.

## ۵,۳ وکلا/دفاع/معاضدت قضایی

### پذیرش در دانشکده حقوق

الف. آیا دانشکده حقوق وجود دارد؟ آیا دانشجویان حقوق معرف جمعیت عمومی هستند؟ چه تعداد زن در دانشکده حقوق تحصیل می‌کند؟ نسبت زنان به مردان فارغ‌التحصیل چقدر است؟

ب. آیا مسایل مربوط به جنسیت، شامل قوانین، حقوق زنان، خشونت مرتبط با جنسیت، قاچاق انسان، تبعیض و آزار جنسی در دانشکده حقوق تدریس می‌شود؟ آیا یک واحد اجباری در درس‌نامه آموزشی است؟ آیا اساتید حقوق آموزش ویژه در مورد مسایل جنسیتی می‌بینند؟ چه تعدادی از اساتید حقوق زن هستند؟ نسبت مردان به زنان چقدر است؟ آیا در دانشکده حقوق زنان در رتبه‌های بالا قرار دارند؟

پ. آیا آموزش تکمیلی یا آموزش حقوقی مداوم یا آموزش برای حفظ عضویت در کانون یا هیات وکلا الزامی است؟ آیا آموزش در مورد برابری جنسیتی یا مسایل مربوط به دادرسی جنسیتی بخشی از درس‌نامه آموزشی است؟ آیا اجباری است؟ آیا آموزش حقوقی مداوم، آموزش قوانین منطقه‌ای و بین‌المللی، از جمله حقوق بشر را دربرمی‌گیرد؟ منبع آموزش چیست (برای مثال انجمن وکلا، دانشکده حقوق، سازمان‌های مردم‌نهاد)؟

ت. چه تعداد از وکلای شاغل به کار زن هستند؟ در کدام رشته حقوق وکالت می‌کنند؟ آیا داوطلبان باکفایت، به‌طور معمول، صرف نظر از سن، جنسیت، وضعیت تاهل، دین، نژاد، یا قومیت گواهی‌نامه تخصصی خود را دریافت می‌کنند؟ آیا معیارهای تعیین صلاحیت در دسترس همه قرار دارد؟ چه نسبتی از زنان به مردان در رتبه‌های ارشد کانون وکلا قرار دارند؟ آیا انجمن وکلای زن وجود دارد؟

ث. آیا اعضای کانون ملزم به مساعدت رایگان طرف‌های آسیب‌پذیر دعوا هستند (مثلا زنان، کودکان، تهیدستان)؟ آیا در عمل این خدمات را رایگان ارائه می‌دهند؟

منابع: دانشکده حقوق؛ کانون وکلا؛ گروه‌های زنان؛ انجمن وکلای زن.

افراد: سرپرستان کانون وکلا؛ رییس دیوان عالی؛ مراجعان؛ کارکنان دادگاه؛ سازمان‌های مردم‌نهاد.

### واحد معاضدت قضایی/وکالت تسخیری

الف. آیا حق داشتن وکیل دعاوی در قانون اساسی یا قانون به افراد اعطا شده است؟ اگر بله، در کدام مرحله از سیر دادرسی مجاز است یا رسماً شروع می‌شود (برای مثال در زمان تحقیق، دستگیری، تفهیم اتهام، محاکمه، استیناف، یا زمانی که قاضی تصمیم می‌گیرد که در دادرسی به آن نیاز وجود دارد)؟ آیا حق داشتن وکیل مدافع در موارد تجاوز و خشونت جنسی نیز تضمین می‌شود؟

ب. آیا واحد خدمات وکیل تسخیری وجود دارد؟ آیا این خدمات به همه دادگاه‌ها، در شهرها و مناطق روستایی، منضم شده است؟ آیا به آسانی در شهرها و مناطق روستایی در دسترس گروه‌های آسیب‌پذیر، از جمله زنان، است؟ آیا وکلای تسخیری به زبان‌های محلی صحبت می‌کنند؟ آیا خدمات آنان صرف‌نظر از استطاعت مالی مراجعان ارائه می‌شود؟

پ. آیا کارکنان سیستم وکلای تسخیری معرف جمعیت عمومی هستند؟ آیا گروهی است که حضور بیشتر یا کمتری داشته باشد؟ آیا سرپرستی واحد تلاش می‌کند که استخدام داوطلبان، از جمله زنان، به‌گونه‌ای باشد که کارکنان بیشتر معرف جمعیت باشند؟ آیا زنان با رتبه‌های مدیریتی در سیستم وجود دارند؟

ت. چه تعداد از وکلا به خدمات معاضدت قضایی/وکالت تسخیری ملحق شده‌اند؟ آیا واحد وکلای تسخیری بودجه‌ای دریافت می‌کند؟ اگر بله، چه کسی برای آن تأمین بودجه می‌کند؟

ث. چه کارکنان دیگری در سیستم خدمات معاضدت قضایی/وکالت تسخیری وجود دارند؟ آیا برای کار با بازماندگان خشونت جنسی و خانگی آموزش دیده‌اند؟ آیا آموزش استاندارد شده است؟ آیا مجموعه‌ی راهنمایی وجود دارد؟ آیا مددکاران اجتماعی در سیستم وجود دارند که قادر به ارزیابی نیازهای درمانی مراجعان و خدمات اجتماعی، به‌خصوص برای زنان باشند؟ آیا مترجمانی مسلط به زبان-های محلی وجود دارند؟ آیا معاونان حقوقی/دستیاران حقوقی برای کمک به ثبت و تهیه پرونده‌ها و جمع‌آوری اطلاعات وجود دارند؟

منابع: دفتر وکلای تسخیری؛ قوه قضاییه؛ سازمان‌های مردم‌نهاد؛ کانون وکلا؛ نهادهای جامعه مدنی؛ زندان‌ها؛ پلیس.

افراد: افسران/وکلا؛ معاضدت قضایی؛ رییس دیوان عالی (قضایی)؛ قربانیان؛ زندانیان زن؛ بازپرسان؛ دستیاران قضایی؛ محبوسان.

### معاضدت قضایی توسط افراد غیر وکیل/دستیاران قضایی

همه افراد، به‌خصوص مردان و زنان آسیب‌پذیر، باید از حقوق خود و نحوه‌ی ادعای این حقوق، مطلع باشند. کاربرد دستیاران حقوقی می‌تواند در سوادآموزی حقوقی، شامل آموزش مردم در رابطه با نحوه دسترسی به نظام دادرسی، مطلع کردن آنان درباره منابع قابل دسترسی دادرسی و نحوه استفاده از آن باشد. آنان اغلب روش‌های خلاقانه‌ای دارند. مثلاً از رادیو، اجرای نمایش، و نشان دادن عکس استفاده کرده و به این ترتیب می‌توانند به‌نحو مؤثری سازوکارها و حقوق قانونی افراد را با آنان در میان بگذارند.

الف. آیا دستیاران قضایی در کشور فعالیت دارند؟ کجا؟ آیا بخشی از نظام رسمی دادرسی کیفری هستند؟ چه نقشی دارند؟ در قالب قانون جنایی و قانون مرتبط با جنسیت مجوز انجام چه کارهایی را دارند؟ در عمل چه می‌کنند؟ آیا آموزش اختصاصی در مورد مسایل مرتبط با جنسیت دریافت می‌کنند؟ آیا آموزش در سراسر کشور استاندارد شده است؟ آیا مجموعه‌ی راهنمایی وجود دارد؟ آیا منعکس‌کننده استانداردهای برابری جنسیتی و حقوق بشر است؟ چه کسی آموزش را طراحی و ارائه می‌کند؟

ب. چه خدماتی را دستیاران قضایی به زنان ارائه می‌دهند/می‌توانند ارائه دهند؟ آیا با مراجعان مصاحبه می‌کنند، اظهارات شاهدان را ثبت یا مدارک را جمع می‌کنند؟ آیا دستیاران قضایی آموزش خاص در زمینه جمع‌آوری مدرک و صحبت با قربانیان قاچاق انسان، تبعیض، آزار و خشونت جنسی و خشونت خانگی می‌بینند؟ آیا در بازپرسی‌هایی که در پاسگاه پلیس انجام می‌شود حضور می‌یابند؟ آیا با قربانیان و شاهدان در جریان دادگاه رایزنی می‌کنند؟ آن‌ها را در دادگاه همراهی می‌کنند؟

پ. آیا دستیاران قضایی با زنان در مناطق روستایی کار می‌کنند؟ آیا به زبان‌های محلی صحبت می‌کنند؟ آیا با زنان و مردان سالمند که باورهای قدیمی دارند کار می‌کنند؟ چه اقداماتی را برای مطلع‌سازی زنان از حقوق‌شان، از جمله آن‌هایی که بی‌سواد هستند، به‌کار می‌بندند؟ آیا منبع مالی دارند؟ اگر بله، چه کسی برای کار آنان تأمین بودجه می‌کند؟

ت. چه تعداد از دستیاران قضایی زن هستند؟ نسبت زنان به مردان چقدر است؟ آیا زنان دارای رتبه‌های بالا هستند؟ آیا سیاست‌هایی در مورد عدم تبعیض و آزار جنسی وجود دارد؟

منابع: واحد خدمات دفاعی؛ وزارت دادگستری؛ قوه قضاییه؛ برنامه‌های دستیاران قضایی؛ سازمان‌های مردم‌نهاد.

افراد: دستیاران قضایی؛ معاونان قضایی؛ روسای دادگاه بخش؛ قربانیان/بازماندگان؛ سازمان‌های مردم‌نهاد.

## ۶. اقدامات تأدیبی و غیر-تأدیبی ۶,۱ زندان‌ها

برای آشنایی با اصول و احکام کلی که در مورد مردان و زنان صدق می‌کند لطفاً مراجعه کنید به: اقدامات تأدیبی و غیر-تأدیبی:  
سیستم زندان



در سراسر دنیا درصد زنان زانی، که شامل دوره بازداشت پیش از محاکمه هم می‌شود، بسیار اندک است (بین ۲ تا ۹ درصد و در بعضی موارد استثنا بالای ۱۰ درصد). از آن‌جای که عمده زندانیان مرد هستند، نیازهای خاص زنان معمولاً در نظر گرفته نشده که نهایتاً منجر به تبعیض نسبت به زنان زندانی می‌شود. با توجه به کم بودن تعداد زندانیان زن در مقایسه با مردان، معمولاً تعداد کمی زندان و خدمات مرتبط با آن برای زنان فراهم است. چون تعداد زندان‌ها محدود است، زنان اغلب در محلی دور از خانه زندانی می‌شوند که ممکن است احتمال ملاقات با خانواده را محدود کرده و اغلب مشکلات جدی را برای آنان و خانواده‌هایشان ایجاد کند. گاهی نیز آن‌ها را در محلی متصل به زندان مردان مستقر می‌کنند که می‌تواند امنیت‌شان را به خطر اندازد. فعالیت‌های زندان معمولاً با توجه به نیازهای جمعیت غالب زندان که مردان هستند طراحی شده است. در زندان‌های شلوغ با تعداد محدود زندان‌بان، زنان معمولاً به خدمات و تسهیلات زندان دسترسی ندارند یا دسترسی محدودی دارند. در محیط بسته‌ی زندان زنان معمولاً بیش‌تر در معرض سوءاستفاده‌ی کارکنان و زندانیان هستند. در زندان‌ها زنان در معرض خطر بالای ابتلا به اچ‌آی‌وی هستند و اگر هم خدمات پیشگیری و درمان اچ‌آی‌وی موجود باشد بسیار محدود است. زنان باردار و شیرده به علت وضعیت‌شان مشکلات خاصی دارند و نباید زندانی شوند مگر شرایط استثنایی وجود داشته باشد. زنان همچنین مشکلات ویژه‌ای را بعد از آزادی تجربه می‌کنند و همان‌طور که دیده می‌شود انگ زندانی شدن برای آن‌ها سنگین‌تر از مردان است.

احکام سازمان ملل در مورد نحوه رفتار با زنان زندانی و اقدامات غیر-تادیبی برای زنان متخلف\* و اعلامیه اروپا UNODC/WHO در مورد سلامت زنان در زندان، اصلاح نابرابری جنسیتی در سیستم سلامت زندان (اعلامیه کیف، ۲۰۰۹)، زمینه و راهنمای خوبی را در این‌باره فراهم می‌کند.

\*the Bangkok Rules, ECOSOC resolution 2010/16, annex, adopted on 22 July 2010

الف. آیا قوانین خاصی هستند که احتمال حبس و زندانی شدن زنان را افزایش دهند؟ چه تخلفاتی بیش‌تر مرتبط با زنان یا مختص آنان است؟ در عمل چقدر از این مواد قانونی قوانین جزا استفاده می‌شود؟ مبنای حبس و آمار آن چگونه است؟

ب. چه تعداد زندان برای متخلفان زن وجود دارد؟ گسترش جغرافیایی آن چگونه است؟ آیا زنان زندانی جدا از مردان نگهداری می‌شوند؟ درصد زنان دارای محکومیت و زنانی که کودکان‌شان را همراه دارند چقدر است (ارقام را برای سه سال گذشته استخراج کنید)؟ آیا نظارت بر زنان زندانی منحصراً –همیشه/گاهی/به‌ندرت- با زندانبانان زن است؟ بر حسب موقعیت جغرافیایی چگونه است؟

پ. آیا دسترسی زنان به فعالیت‌های موجود در زندان همانند محبوسان مرد است؟ اگر نه، سطح دسترسی آنان چقدر است؟ چه فعالیت‌هایی در اختیارشان قرار دارد؟ آیا نحوه حرفه‌آموزی به آنان تبعیض‌آمیز است؛ یعنی به آن‌ها کارهایی مانند خیاطی ارایه می‌شود که از نظر دیگران برای جنسیت‌شان مناسب است؟ آیا زنان مجبور به کار بدون دستمزد می‌شوند (مثلاً آشپزی یا نظافت برای همه زندانیان).

ت. چه قوانینی در مورد ملاقات، به‌خصوص توسط خانواده و کودکان وجود دارد؟ ملاقات‌ها باز یا بسته هستند؟ چه تسهیلاتی در زمان ملاقات فراهم است؟ در عمل چه اتفاقی می‌افتد؟ آیا زنان می‌توانند از ملاقات همسر (شریک جنسی) یا عضو مذکر خانواده که در گذشته آنان را تهدید یا آزار می‌کرده امتناع کنند؟

ث. اگر پیوندهای خانوادگی زنان آسیب دیده است، تلاشی برای تحکیم دوباره آن می‌شود؟

ج. آیا به نیازهای پزشکی ویژه زنان رسیدگی می‌شود؟ چه ترتیبی برای آن دیده شده است؟ زنان تا چه حد به انواع متخصصان مراقبت سلامت دسترسی دارند؟ آیا زنان باردار مراقبت پزشکی و تغذیه‌ای لازم را دریافت می‌کنند؟ چه ترتیبی برای آن دیده شده است؟ آیا زنان باردار برای وضع حمل به بیمارستان منتقل می‌شوند؟ در صورت ابتلا، آیا زنان حمایت کافی در زمینه پیشگیری و درمان اچ‌آی‌وی دریافت می‌کنند؟

چ. آیا به نیازهای بهداشتی خاص زنان رسیدگی می‌شود؟ آیا به وسایل بهداشت شخصی و نوار بهداشتی دسترسی دارند؟ این وسایل به‌راحتی در اختیار زندانیان قرار می‌گیرد؟ هر چند وقت یکبار زنان باردار و زنانی که نوزاد دارند به حمام دسترسی دارند؟

ح. آیا آب گرم برای مراقبت‌های شخصی روزانه برای کودکان، زنان باردار، زنان شیرده یا زنان در دوره خونریزی ماهیانه فراهم است؟ آیا آب گرم برای آشیزی فراهم است؟

خ. آیا به زنان اجازه داده می‌شود شیرخواران/کودکان را پهلوی خود در زندان نگهدارند؟ تا چه سن یا مرحله رشد؟ چه تسهیلاتی برای کودکان فراهم است؟ آیا شیرخوارگاه یا واحد مخصوص مادر و کودک در زندان وجود دارد؟ آیا به کودکان اسباب‌بازی داده می‌شود؟ اگر اصولاً این مساله مورد توجه باشد، چقدر تلاش می‌شود که محیط زندگی کودکان تا حد امکان مشابه زندگی بیرون از زندان باشد؟ آیا دیگر کودکان یا کودکان بزرگتر می‌توانند موقتاً یا نیمه‌وقت در زندان با مادر خود بمانند (مثلاً آخر هفته‌ها یا در تعطیلات مدرسه)؟ چه سطحی از مسؤلیت برای مراقبت از کودکان به مادران داده می‌شود؟

د. آیا تمهیداتی در قانون برای تأمین نیازهای خاص تغذیه‌ای زنان باردار، زنان شیرده، همچنین شیرخواران و کودکان در زندان دیده شده است؟ این تمهیدات چه چیزهایی را شامل می‌شود و آیا در عمل به اجرا درمی‌آید؟

ذ. آیا گزارش‌هایی در رابطه با خشونت، سوءاستفاده، و بهره‌کشی از زنان در زندان و/یا بازداشت توسط مسوولان زندان وجود دارد؟ توسط سایر زندانیان چطور؟ چه رخ داده است؟ آیا سیستمی برای رسیدگی به شکایت‌های مربوط به سوءاستفاده و/یا آزار وجود دارد؟

ر. با توجه به ماهیت جرایمی که زنان زندانی مرتکب می‌شوند، آیا سطح امنیتی زندان زنان (در مقایسه با مردان) متناسب با خطری است که اثبات شده آن‌ها می‌توانند ایجاد کنند (برای مثال، تلاش برای فرار، آسیب به دیگران، یا فعالیت‌های غیرقانونی)؟

منابع: قوانین؛ گزارش‌های زندان؛ مقام‌های زندان؛ سازمان‌های مردمنهاد؛ گزارش‌های حقوق بشر.

افراد: مسوولان زندان؛ نگهبانان؛ زندانیان؛ کارکنان سازمان‌های مردمنهاد؛ گروه‌های زنان؛ وکلا؛ اعضای خانواده.

## ۶,۲ بازداشت پیش از محاکمه

برای آشنایی با اصول و احکام کلی که در مورد مردان و زنان صدق می‌کند لطفاً مراجعه کنید به: اقدامات تادیبی و غیر-تادیبی: بازداشت پیش از زمان دادرسی.

بازداشت پیش از دوره دادگاه را باید به عنوان یک استثنا و نه قاعده برای کسانی که مظنون به ارتکاب خلاف هستند در نظر گرفت. اگر مظنون زن باشد با توجه به اثرات زیان‌بار خاصی که سلب آزادی زنان می‌تواند بر آنان، خانواده، و کودکان‌شان داشته باشد باید ملاحظات خاصی را در مورد جایگزین‌های بازداشت پیش از محاکمه (یا حبس) در نظر گرفت. به‌علاوه، اکثر خلاف‌هایی که زنان به‌خاطر آن حبس می‌شوند خشونت‌بار نیستند (مثلاً تخلف مرتبط با مواد یا اموال است). اگر جرم خشونت‌بار است، احتمال دارد که آنان قربانی خشونت خانگی یا سوءاستفاده جنسی بوده و جنایتی را علیه یک فرد نزدیک مرتکب شده‌اند. بنابراین تصور می‌شود زنانی که درگیر این جرایم بوده‌اند اغلب جامعه را در معرض خطر جدی قرار نمی‌دهند. زنان باردار یا زنانی که کودک شیرخوار دارند را مگر در شرایط خاص نباید در زندان نگهداشت. اگر زنان بازداشت می‌شوند باید جدای از مردان نگهداری شده و به نیازهای ویژه‌شان رسیدگی شود. معمولاً، درصد زنان زندانی در کل، شامل دوره حبس پیش از محاکمه بسیار پایین است (بین ۲ تا ۹ درصد در سراسر دنیا و در بعضی موارد استثناً بالای ۱۰ درصد). اگر در کشور مطالعه‌ای انجام شده و ارقام/درصدها بالا به‌نظر می‌آید توصیه می‌شود که ارزیاب در جستجوی علت‌های آن برآید. برخی پاسخ‌ها را می‌توان در قوانین داخلی یافت (برای مثال محکومیت-های سنگین برای تخلفات مرتبط با مواد، شامل جابجایی مواد که اکثراً زنان برای آن استفاده می‌شوند؛ یا در کشورهایی که تبعیض علیه زنان در قوانین جزایی بازتاب دارد ممکن است مجازات‌های سختی برای مواردی مانند زنا، روسپیگری، تجاوز (در جایی که قربانی تجاوز مجازات می‌شود)، نقض ضوابط پوشش، مقررات منع رفت‌وآمد شبانه، و غیره در نظر گرفته شود. این مجازات‌ها می‌تواند منجر دوره‌ای از بازداشت در پاسگاه پلیس، حبس پیش از محاکمه یا زندانی شدن شود.

الف. زنانی که دوره بازداشت پیش از محاکمه را می‌گذرانند چه درصدی از کل زنان زندانی را تشکیل می‌دهند؟ شایع‌ترین تخلف-هایی که به‌خاطر آن محکوم می‌شوند چیست؟

ب. چند درصد زنانی که در حبس پلیس یا بازداشت پیش از محاکمه هستند مظنون به ارتکاب تخلف‌های خشن هستند؟

پ. چند درصد زنانی که در حبس پلیس یا بازداشت پیش از محاکمه هستند مظنون به ارتکاب جرایم مرتبط با مواد هستند؟ چند درصد مظنون به روسپیگری هستند؟

ت. چه نسبت از زنانی که پیش از محاکمه بازداشت می‌شوند نهایتاً تیرئه می‌شوند؟ چه نسبت از آنانی که محکوم می‌شوند، حکم حبس می‌گیرند؟ با مقایسه این ارقام با ارقام مشابه در مورد مردان زندانی، آیا نسبت زنانی که پیش از محاکمه بازداشت می‌شوند و متعاقباً حکم حبس نمی‌گیرند نشان می‌دهد که گاهی استفاده از حبس غیرضروری بوده است؟

ث. آیا در مجازات قانون موضوعه تمهیداتی برای تحذیر یا منع بازداشت پیش از زندان در مورد زنان باردار یا زنانی که کودکان خردسال دارند دیده شده است؟ چقدر این احکام در عمل اجرا می‌شود؟

ج. در زمان بازداشت، چه توسط پلیس یا در زندان، آیا زنان جدا از مردان نگهداری می‌شوند؟ آیا محافظ زنان منحصرآ زن هستند؟ همیشه/گاهی/به‌ندرت؟ آیا با توجه به موقعیت جغرافیایی رویه می‌تواند متفاوت باشد؟

چ. آیا در زمان بازداشت دسترسی زنان به فعالیت‌های موجود همانند مردان است؟ اگر نه، سطح دسترسی آنان چقدر است؟ چه فعالیت‌هایی در اختیارشان قرار دارد؟ اگر تمایل داشته باشند، اجازه کار دارند؟ دستمزد می‌گیرند؟ حق‌الزحمه آنان در مقایسه با حداقل دستمزد در سطح کشور چقدر است؟

ح. چه مقرراتی برای ملاقات با خانواده و فرزندان در مورد زنانی که در بازداشت پلیس یا بازداشت پیش از محاکمه هستند وجود دارد؟ ملاقات‌ها باز یا بسته هستند؟ آیا زنان می‌توانند از ملاقات امتناع کنند؟

خ. آیا به نیازهای بهداشتی و پزشکی ویژه‌ی زنانی که در بازداشت پلیس یا بازداشت پیش از محاکمه هستند رسیدگی می‌شود؟ چه تمهیداتی برای آن وجود دارد؟

منابع: قوانین؛ سرفرماندهی پلیس؛ پلیس اجتماعی؛ گزارش سازمان‌های مردم‌نهاد و نهادهای حقوق بشر.

افراد: افسران پلیس (زن و مرد)؛ شورای (عالی) دفاع؛ دستیاران حقوقی؛ زنان زندانی؛ اعضای خانواده؛ دادستان‌ها؛ سازمان‌های مردم‌نهاد و گروه‌های زنان

## ۶,۳ حبس حفاظتی

حبس حفاظتی معمولاً برای فراهم آوردن پناهگاهی امن برای قربانیان خشونت یا کسانی است که تهدید به خشونت شده‌اند. اگرچه در شرایط خاصی حبس حفاظتی واقعا حفاظتی برای قربانی ایجاد نمی‌کند بل‌که در عوض او را در معرض خطر بیش‌تر تهاجم قرار می‌دهد یا علی‌رغم تمایل خود محدود می‌کند. در مواردی که قربانیان خشونت جنسی یا خانگی "برای امنیت خودشان" زندانی می‌شوند مهم است که شرایط چنین حبسی و این که اختیاری است مشخص شود. درخواست از یک قربانی یا شاهد برای اقامت در حبس حفاظتی می‌تواند او را (مرد یا زن) از دسترسی به کودکان و خانواده و خدمات روان‌شناختی و پزشکی لازم محروم کند. به‌علاوه، این وضعیت می‌تواند انگ شرمساری یا رسوایی را تقویت کرده و قربانی را هم در زمان حبس و هم هنگام آزادی در خطر خشونت قرار دهد. حبس حفاظتی ممکن است قربانیان، به‌خصوص زنان را، از گزارش خشونت که علیه آن‌ها صورت گرفته است باز دارد.

الف. آیا حبس حفاظتی می‌تواند برای قربانیان پناهگاه امنی خارج از خانه فراهم کند؟ آیا مکان آن مخفی است؟ آیا برای رسیدگی به مشکلات ناشی از تجربه هرگونه سوءاستفاده جسمی، جنسی، یا روانی مددکاران باکفایت در دسترس قربانیان قرار دارند؟ آیا حبس حفاظتی اختیاری است؟ در چه شرایطی یک قربانی به حبس حفاظتی منتقل می‌شود؟ آیا می‌تواند هر وقت بخواهد آن را ترک کند؟ چند قربانی در حبس حفاظتی بوده‌اند (سه سال اخیر را مرور کنید)؟ زمان متوسط اقامت یک قربانی در حبس حفاظتی چقدر است؟

ب. اگر قربانی در یک زندان سکنا داده شود، آیا جدا از زندانیان نگهداری می‌شود؟ آیا رفتن به آنجا اختیاری است؟ آیا قربانی هر وقت بخواهد می‌تواند آن را ترک کند؟ آیا برای رسیدگی به مشکلات ناشی از تجربه هرگونه سوءاستفاده جسمی، جنسی، یا روانی مددکاران باکفایت در دسترس قربانیان قرار دارند؟ آیا محافظان همجنس قربانی هستند؟ آیا محل اقامت قربانی محدود به یک سلول است؟ آیا نظر قربانی در مورد این که چه کسی می‌تواند به ملاقاتش بیاید کاملاً در نظر گرفته می‌شود؟ آیا این انتخاب برای قربانی وجود دارد که فرزندان را همراه داشته باشد؟ آیا یک فضای خصوصی برای حمام و استفاده از دستشویی وجود دارد؟ آیا می‌تواند با آزادی با خانواده و دوستانش ارتباط داشته باشد؟ آیا غذا، لباس، و لوازم زندگی به میزان کافی فراهم هستند؟ آیا در موارد حبس حفاظتی گزارش‌هایی از سوءاستفاده از قربانی توسط نگهبانان زندان یا زندانیان وجود دارد؟ چه تعداد قربانی در زندان تحت حبس حفاظتی بوده‌اند (سه سال گذشته را مرور کنید)؟ متوسط زمان اقامت یک قربانی در حبس حفاظتی چقدر است؟

منابع: مقام دادستانی؛ قوه قضاییه؛ کانون وکلا؛ سازمان‌های مردمنهاد؛ گروه‌های زنان؛ زندان‌ها؛ پلیس.

افراد: دادستان‌ها؛ مقامات پلیس؛ قربانیان در حبس حفاظتی؛ افسران پلیس؛ قاضیان؛ وکلا؛ سازمان‌های مردمنهاد؛ گروه‌های زنان؛ جامعه مدنی؛ اعضای خانواده.

## ۶،۴ جایگزین‌های حبس

برای اطلاعات بیشتر در مورد مسایل عمومی لطفاً مراجعه کنید به: اقدامات تادیبی و غیر-تادیبی: جایگزین‌های حبس

تأثیر زندانی شدن هم بر خود زنان و هم بر فرزندان و اعضای خانواده‌شان بسیار نامطلوب است و بنابراین جا دارد که در همه مراحل فرایند دادرسی کیفری تلاش‌های بیشتری برای یافتن جایگزین‌های حبس برای آنان صورت گیرد. در بیشتر موارد جایگزین‌ها را برای زنان راحت‌تر می‌شود به‌کار گرفت چون درصد بالایی از آن‌ها برای تخلفات غیرخشونت‌آمیز محبوس شده‌اند.

الف. آیا اقدامات تادیبی و غیر-تادیبی برای مردان و زنان یکسان به‌کار گرفته می‌شود (برای مثال امکان مراقبت از کودک فراهم می‌شود)؟ اگر برای زنان الزام اقامت یا درمان وجود دارد، آیا در محیطی کاملاً زنانه فراهم می‌شود؟ آیا افسران زن برای بازرسی دستورات نظارتی حضور دارند؟ آیا مقررات رفت و آمد شبانه/ردیاب/ و گزارش به زندان با نیازهایی که مراقبت از کودک ایجاد می‌کند همخوانی دارد؟

ب. آیا قانون در موارد خاص به پلیس، دادستان، یا سایر کارگزارانی که به دعاوی مربوط به زنان می‌پردازند صلاحیت رسیدگی و تصمیم‌گیری را بدون توسل به نظام دادرسی می‌دهد؟ چه معیارهایی برای آن وجود دارد؟

پ. آیا در قوانین جزا تمهیداتی دیده شده که امکان احکام جایگزین حبس برای زنان، زنان باردار، و زنانی که سرپرستی فرزندان یا افراد دیگری را دارند بیشتر شود؟ چه تمهیداتی وجود دارد؟

ت. آیا برای زنان در معرض خطر مراقبتی در زمان آزادی فراهم می‌شود (مثلاً اقامت در سرپناه)؟

ث. آیا بر اساس تفسیر قانون استفاده از اقدامات و جریمه‌های جایگزین در مواردی که زنان به تخلفات غیرخشونت‌آمیز متهم هستند تشویق می‌شود؟ آیا شرایط خاص زنان مثل این که قربانی خشونت خانگی، قاچاق انسان، سوءاستفاده جنسی، یا سایر اشکال ارباب مرتب با جنسیت بوده‌اند در نظر گرفته می‌شود؟ آیا در عمل این ملاحظات به‌کار گرفته می‌شود؟ این مساله را می‌توان از مثال‌هایی تشخیص داد که تفاسیر قانون از مواد قانونی خاص برای اجرای تمهیدات مربوط به تخفیف محکومیت ارایه می‌دهند. در واقع استفاده از این مواد قانونی شرایط جریمه یا اقدام جایگزین را برای متخلف فراهم می‌کند.

ج. اگر امکان استفاده از این تفاسیر قانونی نیست، چه قدم‌هایی باید برداشته شود تا در مواردی که زنان به علت تخلف‌های غیرخشونت‌آمیز یا جزیی مجرم شناخته می‌شوند، استفاده از جایگزین‌های حبس مقدور یا تشویق شود؟

چ. هر جا که مؤسسه‌های قضایی غیردولتی از طرف دادگاه‌های رسمی به رسمیت شناخته می‌شوند، آیا حاشیه امنی برای پیشگیری از تبعیض در مراحل حل و فصل دعاوی در نظر گرفته می‌شود؛ اگر بله، چه تمهیداتی وجود دارد؟

منابع: زندان‌ها؛ سازمان‌های مردمنهاد؛ گزارش نهادهای حقوق بشر.

افراد: پلیس؛ دادستان؛ رؤسای دادگاه بخش؛ زنان محبوس؛ وکلای تسخیری؛ سازمان‌های مردمنهاد؛ سرپرستی کانون وکلا؛ و گروه‌های زنان.

## ۶,۵ بازپروری اجتماعی

لطفاً برای اطلاعات در زمینه بازپروری اجتماعی مراجعه کنید به: اقدامات تادیبی و غیر-تادیبی: بازپروری اجتماعی

اقدامات جایگزین را باید برای زنانی که تخلف‌های جزئی و غیرخشونت‌آمیز مرتکب شده‌اند در نظر گرفت چون زندانی شدن تأثیرات زیان‌بار خاصی بر آنان و خانواده‌شان دارد. با توجه به این که در سراسر دنیا زنان زندانی درصد کمی از زندانیان را تشکیل می‌دهند، اغلب دسترسی آنان به خدمات و فعالیت‌های زندان همانند مردان نیست. به علت محدودیت تعداد زندان زنان، معمولاً زنان در زندان‌هایی که از محل زندگی‌شان دور است مستقر می‌شوند که تماس‌شان را با خانواده دشوار می‌کند. زنان باید از حقوق مساوی با مردان بهره‌مند شوند و به تمام فعالیت‌ها شامل تحصیل، کار، و حرفه‌آموزی دسترسی داشته باشند؛ زمینه‌هایی که احتمالاً به علت تبعیض پیش از حبس از آن محروم بوده‌اند. همچنین احتمال دارد که زنان پس از آزادی از زندان به دلیل انگ‌های اجتماعی متحمل تبعیض‌های خاصی شوند. خانواده ممکن است آن‌ها را طرد کند و در بعضی کشورها ممکن است حق خود را به‌عنوان والد از دست بدهند. زنان همچنین در طول دوره زندان و پس از آزادی نیاز به مساعدت‌های خاص روان‌شناختی، اجتماعی، و حقوقی دارند.

الف. آیا زنان در دوره زندان فرصت‌هایی برابر با مردان زندانی برای بهره‌گیری از همه فعالیت‌ها شامل کار، حرفه‌آموزی، تحصیل، مشاوره، فعالیت‌های فرهنگی و تفریحی، ورزش، و برنامه‌های آمادگی برای آزادی را دارند؟ اگر نه، به چه فعالیت‌هایی دسترسی ندارند؟ زنان به چه نوع کارها و حرفه‌آموزی‌هایی وارد می‌شوند؟ چه تعداد/درصد از زنان کار می‌کنند؟ آیا زنان سرپرست فرزند مجبور به کار یا جدایی از فرزند می‌شوند؟ در عمل چه اتفاقی می‌افتد؟

ب. واحد آزادی مشروط، اگر وجود داشته باشد، همه حمایت‌های پیش و پس از آزادی را برای زنان فراهم می‌آورد؟ چه خدمات حمایتی فراهم است؟

پ. آیا زمانی که زنان دوره یک حکم جایگزین را سپری می‌کنند، از هیچ حمایت خاصی برخوردار می‌شوند؟ برای مثال، اگر قربانی خشونت خانگی بوده‌اند، منابع/خدمات خاصی در اختیارشان قرار می‌گیرد؟ چه کسی چنین خدماتی را فراهم می‌کند؟ چه درصدی از زنان در آن شرکت می‌کنند؟

ت. آیا منابع/خدمات خاصی در اختیار زنان باردار و زنان دارای شیرخوار/کودک قرار می‌گیرد؟

ث. آیا در زمان آزادی تمهیداتی برای اسکان/استقرار زنانی که نمی‌توانند یا نمی‌خواهند نزد خانواده یا شریکی که سوءرفتار داشته برگردند وجود دارد؛ به‌ویژه کسانی که فرزند دارند و یا در تلاش برای گرفتن حق حضانت فرزند هستند؟

منابع: وزارتخانه مسوول امور زندان‌ها؛ وزارت دادگستری؛ زندان‌ها؛ سازمان‌های حقوق بشر.

افراد: مسوولان زندان؛ زندانیان زن؛ اعضای خانواده؛ وکلا؛ افسران واحد آزادی مشروط؛ گروه‌های زنان؛ و سازمان‌های مردمنهاد.

## ۷. قربانیان و شاهدان

لطفا مسایل مشترک بین حوزه‌های مختلف: قربانیان و شاهدان را ملاحظه کنید.

جرائم مرتبط با جنسیت عوارض هنگفتی برای قربانیان و شاهدان به‌همراه دارد. با این حال، آن‌ها در بسیاری از نظام‌های دادرسی کیفری فراموش می‌شوند و حتا توسط خود نظام دوباره قربانی می‌شوند. قربانیان/بازماندگان به‌ندرت اجازه مشارکت کامل در تصمیم‌گیری‌های مرتبط با خود را دارند و اغلب مساعدت، حمایت، و حفاظتی را که نیاز دارند دریافت نمی‌کنند. اغلب امکان جبران خسارتی که آنان به‌دلیل قربانی شدن متحمل شده‌اند فراهم نیست و وقتی که هست معمولا بسیار ناکافی یا دیر هنگام است. هم شاهدان و

هم قربانیان ممکن است تهدید شده باشند و بترسند که قدم پیش گذارند. به خصوص در روستاها و شهرهای کوچک اغلب حفظ هویت قربانیان و/یا شاهدان دشوار است.

الف. در موارد جرایم مرتبط با جنسیت شامل خشونت جنسی و خانگی، قاچاق انسان، معیوبسازی دستگاه تناسلی زنان، تبعیض و آزار، آیا دادگاه می‌تواند حکم به محافظت از قربانیان و شاهدان بدهد یا آن‌ها را تحت حفاظت قرار دهد؟ آیا این کار را می‌کند؟

ب. آیا کمک پزشکی برای قربانیان جرایم مرتبط با جنسیت از جمله در مورد خشونت جنسی و خانگی، قاچاق انسان، و معیوبسازی دستگاه تناسلی زنان فراهم است؟ آیا کمک روان‌شناختی برای این قربانیان فراهم است؟ آیا بخش‌های تخصصی در سیستم مراقبت سلامت در کشور برای قربانیان جرایم جنسی وجود دارد؟ چه خدماتی هستند و به چه چیز رسیدگی می‌کنند؟ آیا کارکنان خدمات سلامت که بازماندگان جنایات/سوءاستفاده‌های جنسی را معاینه می‌کنند همیشه همجنس آن‌ها هستند؟ آیا کارکنان بخش سلامت/پزشکی در مورد نحوه برخورد و کار با قربانیان خشونت خانگی و جنسی آموزش دیده‌اند؟ آیا در موارد اضطراری فرصت ضدبارداری، درمان ضد تروما و پروسی، و آنتی‌بیوتیک‌های ضد بیماری‌های منتقل‌شونده از راه جنسی مجانی در اختیار بازماندگان قرار می‌گیرد؟ آیا بسته‌های جمع‌آوری شواهد مجانی در اختیار درمانگاه‌ها و سازمان‌های مردم‌نهادی که از قربانیان خشونت جنسی حمایت می‌کنند قرار می‌گیرد؟ چه کسی هزینه آزمایش‌ها را می‌پردازد؟ آیا خدمات مشابه در شهرهای بزرگ و مناطق روستایی در اختیار قربانیان قرار دارد؟

پ. چه خدمات حمایتی برای قربانیان جرایم مرتبط با جنسیت، شامل خشونت جنسی و خانگی و قاچاق انسان فراهم است؟ آیا افسر پلیس/بازپرس/وکیل/دفتر دادگاه سازوکاری برای ارجاع قربانیان به این خدمات دارند؟ آیا در جایی که دولت نمی‌تواند یا مایل نیست، سازمان‌های مردم‌نهاد خدمات را ارائه می‌کنند؟ آیا دولت هزینه‌های مالی را که جرایم به دنبال دارند می‌پردازد؟

ت. آیا آموزش و اطلاعات به‌راحتی برای قربانیان/بازماندگان جرایم مرتبط با جنسیت فراهم است (مثلاً برای بازماندگان تجاوز؛ قربانیان خشونت خانگی؛ آزار جنسی؛ قاچاق انسان، آزار (جنسی)، و غیره)؟ چه کسی آن را فراهم می‌کند؟ آیا به زبان‌های محلی ارائه می‌شود؟

ث. آیا در زمان شهادت در صحن دادگاه اقدامات حفاظتی برای پیشگیری از قربانی شدن مجدد بازمانده جنایت فراهم است؛ مثلاً از پرده یا اتاقک محفوظ استفاده می‌شود؟ آیا سن قربانی یا بازمانده در اعمال اقدامات حفاظتی در نظر گرفته می‌شود؟

ج. چه کسی اظهارات شاهد یا قربانی را ثبت می‌کند؟ آیا این فرد در مورد نحوه مصاحبه با قربانیان آسیب‌دیده از جنایت آموزش دیده است؟ آیا به قربانی یا شاهد این فرصت داده می‌شود که اظهاراتش را بخواند و صحت همه صفحات آن را تایید کند؟ اگر قربانی یا شاهد به زبان دیگری صحبت کند چه اتفاقی می‌افتد؟ در مواردی که قربانی یا شاهد بی‌سواد است چه اتفاقی می‌افتد؟ در مواردی که قربانی یا شاهد تهدید شده است چه اتفاقی می‌افتد؟

چ. آیا احکام مربوط به شواهد عموماً ارائه شواهد در مورد تاریخچه زندگی جنسی و شهرت بازمانده را منع می‌کند؟ آیا در مراحل پیگرد و دادرسی یک جرم مرتبط با خشونت جنسی، می‌توان از فاصله بین ادعای وقوع و زمان گزارش آن چیزی را استنتاج کرد؟ آیا شایع است که قربانیان، خشونت جنسی را به پلیس یا سایر مقامات گزارش نکنند؟ چرا؟

منابع: سرپناه زنان؛ سازمان‌های مردم‌نهاد؛ گروه‌های حمایت از قربانیان؛ مستندات پلیس و دادگاه.

افراد: افسران پلیس؛ کارکنان سرپناه؛ سازمان‌های مردم‌نهاد؛ قربانیان و شاهدان جرایم مرتبط با جنسیت، هر جا که ممکن است؛ رؤسای دادگاه بخش؛ کارکنان مراقبت سلامت؛ سازمان‌های حقوق بشر؛ گروه‌های جامعه مدنی

## ۸. پیشگیری از جرم

لطفا مسایل مشترک در حوزه‌های مختلف: پیشگیری از جرم را ملاحظه کنید.

اگر راهبردهای پیشگیری از جرم به‌خوبی طراحی و اجرا شوند می‌توانند نقش مهم و مؤثری در کاهش سطح جرایم داشته باشند. شناسایی و بررسی نگرش‌ها و سوگیری‌هایی که بر جرایم مرتبط با جنسیت و نظام دادرسی کیفی مؤثر هستند مینای هر برنامه مفید و مؤثر پیشگیری از جرم است. باید علت وقوع برخی مسایل را در موقعیت‌های نزاع و بعد از نزاع فهمید. مسایلی از قبیل شیوع بالای خشونت جنسی و این که چرا در این شرایط از جنگندگان گرفته تا شهروندان، همسران، وحتا حافظان صلح همه نقش خلافکار



را ایفا می‌کنند؛ چرا برخی گروه‌های مردان و پسران جوان حس می‌کنند تجاوز جمعی به زنان و دختران حق آن‌ها است (تجاوز به قربانیانی که سن‌شان از شش ماه تا ۸۰ سال متفاوت است)؛ چرا زنان و دختران به‌خاطر این که با غیرانسانی‌ترین وضع مورد خشونت قرار گرفته‌اند احساس ناپاکی می‌کنند؛ و چرا نظام‌های دادرسی کیفری در همه کشورها و جامعه جهانی تا کنون ناتوان از توقف جنایات هولناک مرتبط با جنسیت بوده‌اند.

اصول موجود در دستورالعمل‌های سازمان ملل برای پیشگیری از جرم می‌تواند به گسترش راهبردهای اجتماعی پیشگیری از جرم کمک کند.

الف. آیا کشور قوانینی را برای پیشگیری از جرایم مرتبط با جنسیت مانند خشونت جنسی، خشونت خانگی، آزار جنسی، قاچاق انسان، معیوب‌سازی دستگاه تناسلی زنان، و تبعیض وضع کرده است؟ آیا قوانینی برای حفاظت از حقوق گروه‌های خاص مانند قربانیان قاچاق انسان، خشونت خانواده، سوءاستفاده جنسی، معیوب‌سازی دستگاه تناسلی زنان، و ازدواج زودهنگام وجود دارد؟

ب. آیا دستورالعمل‌هایی در بخش‌های مختلف مؤسسه‌های نظام دادرسی کیفری مانند پلیس، دادستانی، قوه قضاییه، و معاضدت حقوقی/دفاعی در مورد آزار جنسی وجود دارد؟ آیا سیاست‌ها و طرح‌های اجرایی برای رسیدگی به ارتکاب جرایم مرتبط با جنسیت (تبعیض، خشونت جنسی، و آزار جنسی) توسط عاملان دادرسی کیفری، هم در داخل خود نظام و هم در جامعه، وجود دارد؟

پ. آیا سیاست‌ها و طرح‌های اجرایی برای رسیدگی و شناسایی مسایل مربوط به برابری و سوگیری جنسیتی هم در داخل خود نظام دادرسی کیفری و هم در جامعه وجود دارد؟

ت. نقش دولت در پیشگیری از جرایم مرتبط با جنسیت چیست؟ آیا یک طرح اجرایی ملی برای رسیدگی به خشونت مرتبط با جنسیت وجود دارد؟ آیا راهبرد آن بر اساس تحلیل روندها، مسبب‌ها، تأثیرات، و غیره است؟ آیا به مشکلات موجود در شهرها و مناطق روستایی می‌پردازد؟ آیا می‌تواند در پیاده‌سازی راهبردهای محلی راهنما باشد؟ آیا می‌تواند راهنمای مشارکت جوامع محلی باشد؟ چه سازوکارهایی برای گنجاندن دیدگاه‌های جامعه مدنی و سازمان‌های مردم‌نهاد در این طرح وجود دارد؟

ث. آیا کشور برخورد مؤثری با جرایم مرتبط با خشونت‌های جنسیتی که در گذشته اتفاق افتاده دارد یا برعکس نگرشی حاکم است که به خشونت مرتبط با جنسیت مصونیت می‌دهد؟ آیا برنامه‌هایی برای هدف قرار دادن نگرش‌ها و سوگیری‌هایی که چنین جنایات هولناکی را بدون مجازات می‌گذارد تدوین شده است؟ آیا در این جهت رهبری مشهودی از سوی رهبران سیاسی و/یا اجتماعی دیده می‌شود؟

### آموزش و گسترش مهارت‌ها

ج. آیا منابع دولتی برای ارایه آموزش پیشگیری از جرایم مرتبط با جنسیت (تبعیض، خشونت جنسی، خشونت خانگی، قاچاق انسان، آزار جنسی، و غیره) وجود دارد؟ آیا منابعی برای ارتقای آگاهی عمومی در مورد قدم‌هایی که زنان می‌توانند برای محافظت از خود بردارند وجود دارد؟ آیا منابعی در مورد نحوه گزارش فعالیت‌های جنایی وجود دارد؟ آیا این برنامه‌ها تأمین بودجه می‌شوند؟ آیا توزیع گسترده دارند؟ آیا سازمان‌های مردم‌نهاد و نهادهای جامعه مدنی در مورد دفاع از خود، پیشگیری از جرم، یا زمینه‌های مرتبط مانند حقوق بشر و مسایل مربوط به قربانیان آموزش می‌دهند؟ آیا این خدمات در شهرها و مناطق روستایی برای زنان فراهم است؟ آیا دولت با ارائه‌کنندگان این خدمات همکاری می‌کند؟

چ. آیا در وضعیت‌های نزاع/بعد از نزاع برای حافظان صلح منطقه‌ای و بین‌المللی، شامل سازمان ملل و ناتو، آموزش با تمرکز ویژه بر قاچاق انسان و بهره‌کشی جنسی فراهم می‌شود؟

منابع: قوانین؛ پلیس؛ وزارت دادگستری؛ معاضدت قضایی/دفاعی؛ زندان‌ها؛ گزارش‌های حقوق بشر؛ قوانین اجتماعی/سنتی؛ سازمان‌های باورمحور؛ سربازان حافظ صلح؛ دفاتر کشوری سازمان ملل.

افراد: افسران پلیس؛ مسؤولان زندان؛ رهبران اجتماعی؛ گروه‌های زنان؛ نهادهای مذهبی؛ و سازمان‌های مردم‌نهاد منطقه‌ای/بین‌المللی.

## ۹. آگاه‌سازی عمومی/دیدگاه‌ها/رسانه

### ۹,۱ آگاه‌سازی عمومی/سوادآموزی حقوقی

عده کمی از زنان از حقوق خود و نحوه تاثیر آن بر زندگی روزمره‌شان آگاهی دارند. برای بسیاری نیز روشن نیست که چگونه می‌توانند بر احقاق حقوق خود اصرار ورزند یا غرامت آسیب وارد شده را طلب کنند. برنامه‌های سوادآموزی حقوقی برای آگاه‌سازی زنان در مورد حقوق‌شان و به‌خصوص نحوه احقاق آن باید برای همه زنان و دختران به‌خصوص در مناطق دورافتاده فراهم شود. آموزش باید به زبان‌های محلی بوده و همچنین برای افراد بی‌سواد قابل استفاده باشد. این تلاش اعتبار بیشتری می‌یابد اگر مردان و جوانانی متعهد به پایان دادن خشونت جنسی و خشونت مرتبط با جنسیت در جامعه در برنامه‌های آگاه‌سازی اجتماعی شرکت داشته

باشند. چنین گروه‌هایی می‌توانند این باور را تقویت کنند که خشونت مرتبط با جنسیت تنها مسأله‌ای مختص زنان نیست بلکه دغدغه‌ای اجتماعی برای همگان است.

الف. آیا گروه‌هایی وجود دارند که برای برابری و دادرسی جنسیتی حمایت‌یابی می‌کنند؟ آیا مردان را هم شامل می‌شوند؟ آیا تا کنون کارزارهایی برای آگاه‌سازی، راه‌پیمایی، جلسات، و/یا سمینارهایی در رابطه با مسایل مربوط به تبعیض و عدالت جنسیتی برگزار شده است؟ افرادی از داخل خود نظام دادرسی کیفری در این گروه‌ها وجود دارند؟ آیا افرادی در داخل نظام دادرسی کیفری وجود دارند که برای برابری جنسیتی حمایت‌یابی کنند؟ آیا این تلاش‌ها حمایت مالی از بیرون دریافت می‌کنند؟

ب. قوانین به چه زبان(هایی) منتشر می‌شود؟ آیا تلاش می‌شود نسخه‌هایی از قوانین به زبان ساده/زبان محاوره تهیه شده تا به زبانی که در مناطق روستایی صحبت می‌شود چاپ شود؟ آیا برای آگاه‌سازی افراد بی‌سواد تلاش می‌شود؟

پ. تا چه حد اعضای جامعه در مورد حقوق (بشر) و وظایف اجتماعی‌شان آموزش دیده‌اند؟ آیا این آموزش در مدارس دولتی الزامی است؟ آیا دولت و/یا انجمن‌های نظام قضایی (کانون وکلا، انجمن قضات، و غیره) ابتکاراتی برای تدوین و پیاده‌سازی آموزش قانون در جامعه داشته‌اند؟ آیا برنامه‌های سوادآموزی حقوقی که به مسایل جنسیتی بپردازد اجرا می‌شود؟ آیا بودجه برای چنین برنامه‌هایی وجود دارد؟

ت. چه راه‌هایی برای افزایش آگاهی عمومی در مورد حقوق شهروندی استفاده شده است (برای مثال کارزارهای چند رسانه‌ای، جلسات اجتماعی بحث و گفتگو، اعلان‌ها و آگهی‌ها در خدمات شهری، نمایش، برنامه‌های آموزش بزرگسالان)؟ آیا این برنامه‌ها افراد فقیر یا یمنوعی محروم جامعه را مخاطب قرار می‌دهد؟ هم در مناطق شهری و هم روستایی؟ آیا این برنامه‌ها هم به زبان اقلیت‌ها و هم زبان(های) رسمی اجرا می‌شود؟ اگر نه، چرا نه؟ آیا این ابتکارات برای استفاده‌ی افراد بی‌سواد طراحی شده است؟ آیا تامین بودجه می‌شود؟ توسط چه کسی؟

منابع: سازمان‌های مردم‌نهاد؛ گروه‌های جامعه مدنی؛ گزارش حامیان مالی.

افراد: دفاتر کشوری حامیان مالی؛ رهبران جامعه؛ گروه‌های جامعه مدنی؛ سازمان‌های مردم‌نهاد.

## ۹،۲ دیدگاه جامعه

الف. جرایم عمده‌ای که از دیدگاه جامعه مدنی، دانشگاهیان، سازمان‌های مردم‌نهاد، رسانه‌های عمومی، و همچنین ناظران خارجی برای کشور مشکل محسوب می‌شوند کدام است؟

ب. آیا خشونت علیه زنان و دختران در محیط‌های خانگی یک دغدغه عمده محسوب می‌شود؟ آیا زنان و دختران در برابر اچ‌آی-وی/ایدز، و قاچاق انسان یا سایر جرایم آسیب‌پذیر محسوب می‌شوند؟ آیا خشونت علیه زنان در خارج از خانه مشکل محسوب می‌شود؟ آیا برای تعیین دستمزد و دسترسی به بازار کار و حرفه‌آموزی در مشاغلی که بازار کار دارد اغلب علیه زنان تبعیض وجود دارد؟ آیا زنان در مشاغل کم‌درآمد و با امنیت شغلی پایین حضور بیش‌تری دارند؟ آیا عموماً زنان را برابر (با مردان) در نظر می‌گیرند؟ در خانه و در محیط کار؟

پ. چه دیدگاه‌ها/افسانه‌هایی پیرامون تجاوز و خشونت جنسی وجود دارد؟ آیا معمولاً زنانی که از حمله جنسی جان به در می‌برند ناپاک/غیرقابل احترام محسوب می‌شوند؟ آیا تجاوز را معمولاً بیش‌تر هتک حرمت نسبت به پدر یا همسر در نظر می‌گیرند تا به خود قربانی؟ آیا بحث آزاد در مورد چنین موضوع‌هایی تابو است؟ آیا این باور وجود دارد که فقط به باکره‌ها می‌شود تجاوز کرد؟ آیا معمولاً قربانیان/بازماندگان به‌خاطر تجاوز سرزنش/مسئول شمرده می‌شوند (مثلاً به علت شهرت، لباس، محل (حضور در محلی خاص)، سابقه‌ی رفتار جنسی در گذشته، و غیره)؟

ت. چه دیدگاهی (از طرف جامعه مدنی، دانشگاهیان، رسانه‌ها، شهروندان، غیر-شهروندان، حامیان مالی، و ناظران) درباره توانایی نظام دادرسی کیفری (پلیس، قوه قضاییه، دادستان‌ها، معاضدت قضایی) برای رسیدگی به این ترس‌ها/جرائم وجود دارد؟ آیا اعتماد به نظام دادرسی کیفری وجود دارد؟ آیا عادل، مؤثر، و کارآمد محسوب می‌شود؟ اگر نه، چرا نه؟

ث. نگاه عمومی به پلیس چگونه است؟ نگاه عمومی به قوه قضاییه و قاضیان در رابطه با برابری و دادرسی جنسیتی چیست؟ نگاه عمومی به دادستانی در رابطه با برابری و دادرسی جنسیتی چیست؟ نگاه عمومی به معاضدت قضایی/دفاعی در رابطه با برابری و دادرسی جنسیتی چیست؟ آیا فساد مالی یک معضل است؟

ج. چه دیدگاهی (دولت، جامعه مدنی، دانشگاهیان، رسانه، شهروندان، حامیان مالی، و ناظران) نسبت به برابری در نظام دادرسی کیفری و دادرسی جنسیتی وجود دارد؟ آیا عادل/کارا محسوب می‌شود؟ اگر نه، چرا؟

همکاری بین ساختار نظام دادرسی کیفری و جامعه مدنی در شناسایی و پاسخ به معضلات مربوط به جنسیت می‌تواند به تثبیت محیطی با اعتماد دوطرفه کمک کند.

ج. آیا همکاری بین ساختار دادرسی کیفری و جامعه مدنی وجود دارد؟ در کدام حیطه‌ها، با کدام نهادها؟

منابع: نهادهای جامعه مدنی؛ سازمان‌های مردمنهاد؛ رسانه‌ها (ایستگاه‌های رادیو، ایستگاه‌های تلویزیون، روزنامه‌ها).

افراد: گزارش‌ها؛ سازمان‌های مردمنهاد؛ نهادهای جامعه مدنی؛ رهبران اجتماعی؛ نهادهای حقوق بشر؛ دانشجویان؛ وکلا؛ قضات و دادستان‌ها.

## ۹,۳ رسانه‌ها

الف. آیا یک رسانه مستقل وجود دارد؟ آیا نقش دیده‌بان را ایفا می‌کند؟ آیا در مورد تصمیمات دادگاه و قوه قضاییه نقد موشکافانه‌ای دارد؟ آیا گزارش‌گران در مورد مسائل حقوقی و جنسیتی تعلیم دیده‌اند؟ آیا در مورد موضوعاتی مانند برابری در دادرسی جنسیتی تعلیم دیده‌اند؟

ب. آیا گزارش‌گران معمولاً در ارایه گزارش‌ها واقع‌گرا و مسئولیت‌پذیر هستند؟ جرائم و خشونت جنسی در رسانه چگونه گزارش می‌شود؟ آیا فساد مالی یک معضل است؟

پ. پلیس در رسانه‌ها چگونه تصویر می‌شود؟ قوه قضاییه، دادستانی و خدمات دفاع حقوقی چگونه در رسانه‌ها تصویر می‌شود؟ مسائلی مانند برابری و تبعیض جنسیتی در رسانه‌ها چگونه گزارش می‌شود؟ زنان صاحب منصب در قوه قضاییه، اگر وجود داشته باشند، در رسانه‌ها چگونه تصویر می‌شوند؟ آیا رسانه‌ها نقطه‌نظر جامعه را به درستی منعکس می‌کنند؟

ت. آیا از رسانه‌ها به عنوان ابزاری برای گزارش جرم استفاده می‌شود؟ آیا از رسانه‌ها به عنوان ابزاری برای آگاه‌سازی عمومی، برای پیشگیری از جرم، (آگاه‌سازی در مورد) حقوق بشر، و سوادآموزی حقوقی، به‌خصوص در رابطه با گروه‌های آسیب‌پذیر، استفاده می‌شود؟

منابع: قوانین؛ جامعه مدنی؛ سازمان‌های مردمنهاد؛ رسانه‌ها (ایستگاه‌های رادیو، ایستگاه‌های تلویزیون، روزنامه‌ها).

افراد: سازمان‌های مردمنهاد؛ نهادهای جامعه مدنی؛ رهبران جامعه؛ نهادهای حقوق بشر؛ دانشجویان؛ وکلا؛ قضات و دادستان‌ها.

## ۱۰. نظارت/پایش

نظارت و پاسخ‌گویی درباره جنسیت و نظام دادرسی کیفری در محور حاکمیت قانون قرار دارد. ایجاد اطمینان از شفافیت و پاسخ‌گویی مؤسسه‌های مرتبط به نظام دادرسی کیفری از سوءاستفاده آنان از قدرت پیشگیری کرده و به تضمین کارکرد مؤثر و کارآمد آنها، ضمن احترام به حقوق بشر و حاکمیت قانون، کمک می‌کند. نظارت کمک می‌کند که تبعیت از سیاست‌ها و رویه‌های بدون تبعیض تضمین شود و همچنین می‌تواند در صورت بروز نشانه‌های مشکل در به صدا درآوردن اولین زنگ‌های خطر بسیار سودمند باشد. گنجانیدن زنان در ساختارهای نظارتی به تضمین حضور آنان کمک کرده و در دیدگاه عمومی نیز همین برداشت را ایجاد می‌کند. به این ترتیب، اعتماد جامعه (به ساختار نظارتی) و حساسیت سیستم نظارتی به دغدغه‌های شهروندان افزایش می‌یابد.

الف. آیا ساختارهای نظارت و پاسخگویی وجود دارد؟ آیا از نفوذ دولت مستقل است؟ چه قدرت اجرایی دارد؟ آیا نهادهای جامعه مدنی، سازمان‌های مردم‌نهاد، و گروه‌های زنان در ساختار نظارت و پایش گنجانده شده است؟ آیا گزارشی منتشر شده است؟ آیا در آن از مسایل مربوط به جنسیت صحبت شده است؟ آیا بودجه‌ای برای ساختارهای نظارت و پاسخگویی اختصاص یافته است؟ نسبت مردان به زنان در چنین ساختارهایی چگونه است؟

ب. آیا از دادگاه‌های سنتی برای حل مناقشه‌ها استفاده می‌شود؟ آیا فردی که پایش می‌کند در موقعیتی قرار دارد که بتواند کارکرد سازوکارهای دادگاه‌های سنتی را بررسی و روشن کند که: کارکردشان چگونه است؛ چه مواردی را بررسی می‌کنند؛ چه رویه‌ها و هنجارهایی بر آن‌ها حاکم است؟ آیا تا کنون این ساختارها گزارشی را منتشر کرده‌اند؟ آیا مسایل جنسیتی را دربرمی‌گیرد؟

منابع: دادگاه‌های سنتی؛ ساختارهای نظارتی؛ نهادهای جامعه مدنی؛ قوانین.

افراد: دادور؛ رهبران سنتی؛ جامعه مدنی؛ نهادهای حقوق بشر؛ سازمان‌های مردم‌نهاد

## ۱۱. مشارکت و هماهنگی

### ۱۱،۱ مشارکت

الف. هماهنگی فعالیت دایره‌های مختلف دادرسی کیفری در چه سطحی صورت می‌گیرد- ملی، منطقه‌ای، محلی؟ این هماهنگی چه شکلی به خود می‌گیرد، مثلاً گروه‌های کاری موردی، کمیسیون‌های رسمی؟ آیا بدنه‌های هماهنگی به خوبی با هم کار می‌کنند؟ آیا در حل معضلات مؤثر بوده‌اند؟ آیا تاریخچه یا حداقل مثالی وجود دارد که نشان دهد ذی‌نفعان در تهیه برنامه‌هایی با هدف رسیدگی به

مسائل پیش روی نظام دادرسی کیفری در رابطه با جنسیت مشارکت کرده‌اند؟ شرکای اصلی که تا کنون با یکدیگر کار کرده‌اند کدامند و چه گروه‌های کلیدی دیگر را لازم است که در آینده به صحنه آورد؟ آیا قوه قضاییه مشارکت دارد؟ رییس کانون وکلا چطور؟ وزارت دادگستری؟ رییس واحدهای معاضدت قضایی و دفاع تسخیری؟ رییس پلیس؟ مقام‌های زندان؟ دانشگاهیان؟ رهبران سنتی (مرد و زن)؟ سازمان‌های مردمنهاد؟ نهادهای جامعه مدنی؟

ب. آیا کمیته مصرف‌کنندگان وجود دارد؟ چه کسی در آن می‌نشیند؟ آیا گروه‌های زنان در آن گنجانده شده‌اند؟ آیا مشارکت آنان در گسترش اقدامات مربوط به دادرسی جنسیتی مؤثر بوده است؟

پ. آیا مشارکتی با جامعه قضایی یا جامعه در کل وجود دارد (برای مثال حمایت از قربانی، مساعدت قضایی، ارجاع به/از دادگاه-های سنتی)؟

ت. آیا دولت یا نهادهای جامعه مدنی وقایعی را که در حیطه نظام دادرسی کیفری در رابطه با دادرسی جنسیتی رخ می‌دهد پایش می‌کنند (پلیس، دادگاه‌ها، زندان‌ها، کانون، و غیره)؟ کدامیک از سازمان‌های مردمنهاد یا نهادهای جامعه مدنی خدماتی را در اختیار نظام قضایی یا قربانیان می‌گذارند (اگر اصولاً خدماتی ارائه می‌شود)؟ نام نهاد و انواع خدماتی را که ارائه می‌کند فهرست کنید، برای مثال حمایت از قربانیان سوءاستفاده‌ی جنسی، خشونت خانگی، آزار جنسی).

منابع: قوه قضاییه؛ وزارت دادگستری؛ سرپرستان کانون وکلا؛ خدمات دفاعی؛ سازمان‌های مردمنهاد؛ جامعه مدنی؛ حمایت‌کنندگان مالی.

افراد: رییس دیوان عالی (قضایی)؛ وزیر دادگستری؛ سرپرستان کانون وکلا؛ دادستان کل؛ رییس دانشکده حقوق؛ رییس پلیس؛ رهبران جامعه مدنی؛ گروه‌های زنان.

## ۱۱،۲ هماهنگی حامیان مالی

اطلاع از فعالیت‌هایی که در حال حاضر با کمک حامیان مالی در حال انجام است، برنامه‌هایی که قبلاً اجرا شده (موفق و ناموفق) و آن‌هایی که در حال طراحی است در ارائه پیشنهاد برای مساعدت‌های فنی و مداخله‌های آینده ضروری است.

الف. آیا اطلاعاتی در مورد حمایت‌های مالی برای توسعه‌ی حوزه دادرسی قضایی موجود است؟ آیا حامیان مالی اسناد راهبردی تهیه کرده و همراه با کمک مالی برای اجرای آن به حوزه قضایی ارائه می‌کنند؟ آیا حامیان مالی، برنامه‌ی اجرایی یا چارچوبی برای شناسایی حوزه‌های مسئولیت دارند؟ آیا ذی‌نفعان ملی در تعیین این راهبردها شرکت دارند؟

ب. آیا برابری جنسیتی و مسایل مربوط به دادرسی جنسیتی در طرح‌های اجرایی کشوری/یا اسناد راهبردی بحث می‌شود؟

پ. هر جا که حمایت مالی مستقیم فراهم است، مشخص کنید که به‌طور مشخص چه مقدار برای حوزه قضایی و دادرسی جنسیتی تخصیص یافته است؟

ت. هر جا که چارچوب میان‌مدت هزینه وجود دارد، مشخص کنید که چه مقدار برای نظام قضایی در کل و دادرسی جنسیتی به‌طور خاص اختصاص یافته است؟

ث. کدامیک از شرکای مالی/توسعه در مسایل مربوط به جنسیت و دادرسی کیفری فعال هستند؟ آیا رویکرد حامیان مالی در جهت پرداختن به معضلاتی است که مد نظر مؤسسه‌های ذی‌ربط است (مانند دادگاه‌های بررسی موارد تجاوز، خشونت مرتبط با جنسیت، مساعدت حقوقی) و بین حامیان مالی مختلف تقسیم وظیفه شده است و یا تنها یک حوزه در کل در نظر گرفته می‌شود (مثلاً مساله اصلاح نظام دادرسی کیفری را در کل در نظر می‌گیرند)؟ آیا تامین بودجه برای سازمان‌های مردمنهاد و نهادهای جامعه مدنی که در مورد دادرسی جنسیتی کار می‌کنند در نظر گرفته شده است؟

ج. چه پروژه‌هایی مربوط به برابری و دادرسی جنسیتی را حامیان مالی در گذشته حمایت کرده‌اند؛ چه پروژه‌هایی در حال حاضر در حال انجام است؟ آیا مؤثر بوده است؟ چه درس‌هایی را می‌توان از این پروژه‌ها آموخت؛ چه هماهنگی‌های بیشتری در آینده لازم است؟ آیا خلایی در سرمایه‌گذاری وجود دارد؟

چ. حامیان مالی و نهادهای بین‌المللی از کجا تامین نیرو می‌کنند؟ آیا فرایند استخدام روشن است؟ آیا تلاش می‌شود که از جذب باکفایت‌ترین افراد در سازمان‌ها و کارگزاری‌هایی بین‌المللی ممانعت شود تا دولت متضرر نشود؟ آیا کارشناسان خارجی برای آموزش کارکنان داخلی دانش و کفایت لازم را در مورد دادرسی جنسیتی دارند؟ آیا می‌توانند به زبان(ها) محلی صحبت کنند؟ آیا آموزش کارکنان داخلی الزامی است؟

منابع: حامیان مالی؛ سازمان‌های بین‌المللی؛ وزارتخانه‌هایی که مسؤول بخش‌های مختلف نظام دادرسی کیفری هستند؛ وزارت اقتصاد.

افراد: حامیان مالی (مدیران دفتر اصلی و دفتر برنامه کشوری)؛ کارکنان سازمان‌های بین‌المللی؛ وزیر دادگستری؛ وزیر مربوط به امور جنسیت؛ رییس دیوان عالی (قضایی).

ضمیمه الف. اسناد کلیدی



## سازمان ملل

- اعلانیه جهانی حقوق بشر، ۱۹۴۸
- بیمان بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی
- معاهده حذف همه انواع تبعیض علیه زنان، ۱۹۷۹
- معاهده سازمان ملل در حذف تمام اشکال تبعیض علیه زنان، توصیه‌های عمومی ۱۹ (۱۹۹۲) خشونت علیه زنان
- اعلانیه حذف خشونت علیه زنان (۱۹۹۳)
- مدل به روز شده راهبردها و اقدامات عملی برای حذف خشونت علیه زنان در زمینه پیشگیری از جرم و دادرسی کیفری<sup>۱۰</sup>
- بیانیه چهارمین کنفرانس زنان در پکن و خط‌مشی اقدام<sup>۱۱</sup>
- پروتکل پیشگیری، توقف، و مجازات قاچاق انسان، به‌خصوص زنان و کودکان، مکمل معاهده سازمان ملل علیه جنایت سازمان‌یافته فراملیتی (پروتکل پالمو) (۲۰۰۰)
- مجموعه راهنمای اصلاح حوزه جنسیت و امنیت، ۲۰۰۸<sup>۱۲</sup>
- احکام سازمان ملل در مورد رفتار با زنان زندانی و اقدامات غیر-تادیبی برای زنان مجرم<sup>۱۳</sup>
- اعلانیه اروپا UNODC/WHO در مورد سلامت زنان در زندان، اصلاح نابرابری جنسیتی در سیستم سلامت زندان (اعلانیه کیف، ۲۰۰۹)
- خلاصه استانداردها و هنجارهای سازمان ملل در زمینه پیشگیری از جرم و دادرسی کیفری (۲۰۰۶) که شامل اسناد مرجعی در مورد پیشگیری از جرم و دادرسی کیفری، و منابع حقوق بشر شامل این موارد است:
  - اعلانیه محافظت از همه افراد در برابر قرار گرفتن در معرض شکنجه و سایر رفتارها و تنبیه‌های ظالمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز، ۱۹۷۵
  - اصول اساسی نقش وکلا
  - دستورالعمل نقش دادستان‌ها
  - ضوابط رفتاری برای مجریان قانون
  - اعلانیه اصول اساسی دادرسی برای قربانیان جنایت و سوءاستفاده از قدرت
  - اعلانیه حذف خشونت علیه زنان
  - دستورالعمل‌های پیشگیری از جرم

## منطقه‌ای

- منشور آفریقایی حقوق بشر و حقوق مردم (۱۹۸۱)
- پروتکل منشور آفریقایی حقوق بشر و حقوق افراد در مورد زنان در آفریقا (۲۰۰۳)
- اعلانیه رسمی برابری جنسیت در آفریقا (۲۰۰۴)
- اعلانیه جنسیت و توسعه، صادر شده توسط جامعه توسعه جنوب آفریقا (SADC) (۱۹۹۷)
- پروتکل منشور آفریقایی حقوق بشر و حقوق افراد در مورد حقوق زنان در آفریقا (۲۰۰۳)
- معاهدنامه اروپایی حقوق بشر (۱۹۵۰)
- برنامه‌ی بین‌کشوری قاره آمریکا در مورد ارتقای حقوق بشر برای زنان و تساوی و برابری جنسیتی (۲۰۰۰)
- معاهدنامه بین‌کشوری قاره آمریکا در مورد پیشگیری، مجازات، و ریشه‌کنی خشونت علیه زنان (معاهدنامه بلم دو پارا<sup>۱۴</sup>) (۱۹۹۴)

<sup>10</sup> ECOSOC resolution 2010/15, annex, adopted on 22 July 2010

<sup>11</sup> Fourth World Conference on Women, Beijing Declaration and Platform for Action A/CONF.177/20 (1995) and A/CONF.177/20/Add.1 (1995).

<sup>12</sup> Eds. Megan Bastick and Kristen Valasek. Geneva: DCAF, OSCE/ODIR, UN-INSTRAW

<sup>13</sup> the Bangkok Rules, ECOSOC resolution 2010/16, annex, adopted on 22 July 2010

<sup>14</sup> Blem do Para

- OSCE طرح اجرایی ارتقای دادرسی جنسیتی
- معاهده اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی (۱۹۵۰)
- قطعنامه ۱۶۶۳ مجمع شورای پارلمان اروپا در مورد زنان در زندان (۲۰۰۹)
- قطعنامه پارلمان اروپا در مورد وضعیت زنان در زندان و تاثیر حبس والدین بر زندگی خانوادگی و اجتماعی همه اعضای خانواده ۱۳ مارس ۲۰۰۸، (A6-0033/2008)
- توصیه ۱۳ کمیته وزرای شورای اروپا به کشورهای عضو در مورد استفاده از حبس پیش از محاکمه، شرایط وقوع آن و فراهم آوردن حاشیه امن برای ممانعت از وقوع آن
- احکام اروپایی در مورد زندان، کمیته وزرای شورای اروپا، به توصیه کشورهای عضو توصیه شماره ۲ (۲۰۰۶)
- توصیه ۱۷۴۱ مجمع شورای پارلمان اروپا در مورد بازپروری اجتماعی زندانیان (۲۰۰۶)
- توصیه ۱۴۶۹ مجمع شورای پارلمان اروپا در مورد مادران و نوزادان در زندان (۲۰۰۰)

## شرایط بعد از نزاع

- ICC، قانون موضوعه، دادگاه جرایم بین‌المللی، ۱۹۹۸
- ICTR، قانون موضوعه محکمه قضایی بین‌المللی خاص برای پیگرد مرتکبان نسل‌کشی و سایر تعرض‌های جدی به قانون بین‌المللی بشردوستی در قلمرو رواندا و شهروندان رواندا که مسؤول نسل‌کشی و چنین تعرض‌هایی در قلمرو کشورهای همسایه بوده‌اند، ۱۹۹۴
- ICTY، قانون موضوعه محکمه قضایی بین‌المللی خاص برای پیگرد مسوولان ارتکاب تعرض‌های جدی به قانون بین‌المللی بشردوستی در قلمرو یوگسلاوی پیشین از سال ۱۹۹۱، ۱۹۹۳
- قانون موضوعه دادگاه ویژه برای سیرالئون، ۲۰۰۰
- مدل ضوابط برای فرایند دادرسی
- مدل ضوابط دادرسی

*لطفا توجه کنید: از مدل ضوابط برای فرایند دادرسی (MCCP) و مدل ضوابط دادرسی (MCC) به‌عنوان مدل‌هایی از ضوابط استناد می‌شود که کاملا استانداردها و هنجارهای بین‌المللی را دربرمی‌گیرد. اگر ارزیاب مایل است با دقت و صحت به MCC و MCCP استناد کند باید به این وب‌سایت مراجعه کند:*

<http://www.usip.org/ruleoflaw/index.html> or [www.nuigalway.ie/human\\_rights/Projects/model\\_codes.html](http://www.nuigalway.ie/human_rights/Projects/model_codes.html)

## ضمیمه ب. چک‌لیست و راهنمای ارزیاب

راهنمایی که ارائه می‌شود برای کمک به ارزیاب طراحی شده تا او بتواند مسیر ارزیابی را دنبال کرده و مشخص کند چه موضوعاتی پوشش داده شده، از چه منابعی استفاده شده، و با چه کسی صحبت شده است.

عنوان	منابع	اشخاص	تکمیل شده
۲،۱	داده‌های آماری	<ul style="list-style-type: none"> <li>گزارش دادگاه‌های رسمی/غیررسمی/سنتی</li> <li>گزارش سازمان‌های مردمنهاد و جامعه مدنی در مورد دادرسی جنسیتی</li> <li>معاهدنامه حذف همه انواع خشونت علیه زنان (CEDAW)</li> <li>گزارش‌های کشوری و گزارش‌های موازی، اگر وجود داشته باشد</li> <li>انجمن‌های زنان قاضی، وکیل، یا گزارش‌های دادستان</li> <li>گزارش‌های پلیس، شامل داده‌های تفکیک‌شده سیستم اداری</li> <li>اسناد زندان</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>اعضای وزارت دادگستری؛ وزارت امور مربوط به جنسیت/زنان؛ قوه قضاییه</li> <li>رهبران سنتی؛ دادستان‌ها؛ وکلا؛ عاملان قضایی؛ مسوولان سلامت که به سوءاستفاده و خشونت علیه زنان رسیدگی می‌کنند</li> <li>نهاد‌های زنان دادستان، وکیل، یا قاضی</li> <li>سازمان‌های مردمنهاد</li> <li>گروه‌های باورمحور و گروه‌های فرهنگی</li> <li>نهاد‌های حامیان مالی</li> <li>افسران پلیس از واحدهای مربوط به جنسیت یا واحدهای تخصصی قاچاق انسان</li> <li>کارکنان دادگاه، شامل سازوکارهای نظام دادرسی انتقالی (محاکم قضایی خاص، دادگاه‌های ویژه، کمیسیون‌های حقیقت‌یاب، و غیره)</li> </ul>
۳	چارچوب حقوقی و مقرراتی	<ul style="list-style-type: none"> <li>قانون اساسی</li> <li>ضوابط کیفری/تنبیهی و آیین دادرسی کیفری/جنایی</li> <li>قانون سنتی یا رویه‌های عرفی</li> <li>معاهده‌ها و پیمان‌نامه‌های منطقه‌ای/بین‌المللی که امضا و مصوب شده‌اند</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>بسیاری از این اسناد را می‌توان پیش از ارزیابی یافت و مرور کرد</li> <li>رهبران سنتی، رؤساء، ملکه‌های مادر (منظور همسران رؤسا و رهبران سنتی است)</li> <li>کتاب‌داران دانشکده حقوق</li> <li>کارکنان قوه قضاییه</li> <li>کارکنان کانون وکلا</li> </ul>
۳،۱	قانون اساسی	<ul style="list-style-type: none"> <li>قانون اساسی</li> <li>نشریه/روزنامه رسمی</li> <li>کمیسیون ملی حقوق بشر</li> <li>قوانین تأسیس دادگاه</li> <li>سیر تصمیمات دادگاه قانون اساسی</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>قاضیان دادگاه قانون اساسی</li> <li>منشیان دادگاه</li> <li>وزیر دادگستری</li> <li>اساتید حقوق</li> <li>اعضای کانون وکلا</li> <li>اعضای سازمان‌های مردمنهاد</li> <li>وکلا معاضدت قضایی</li> </ul>
۳،۲	قوانین	<ul style="list-style-type: none"> <li>وزارت دادگستری</li> <li>وزارت‌خانه مربوط به امور جنسیت/زنان</li> <li>کمیسیون اصلاح قانون</li> <li>سازمان‌های زنان</li> <li>مجمع ملی</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>وزیر و کارکنان دادگستری</li> <li>وزیر و کارکنان وزارت‌خانه مرتبط به امور جنسیت/زنان</li> <li>کمیسیون مرور قانون</li> <li>قانون‌گزاران</li> <li>رهبران کمیته کانون وکلا</li> </ul>
۳،۳	استاندارهای منطقه‌ای و بین‌المللی	<ul style="list-style-type: none"> <li>وبسایت و دبیرخانه سازمان‌های بین‌المللی مرتبط</li> <li>وزارت امور خارجه</li> <li>وزارت‌خانه مربوط به امور جنسیت/زنان</li> <li>کمیسیون ملی حقوق بشر</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>گروه کشوری سازمان ملل</li> <li>سازمان‌های مردمنهاد</li> <li>نهاد‌های ملی و بین‌المللی حقوق بشر</li> <li>اعضای کمیته CEDAW</li> <li>دادور مربوط به امور جنسیتی</li> </ul>
۴،۱	پلیس	<ul style="list-style-type: none"> <li>پاسگاه‌های محلی پلیس</li> <li>راهنماها، دستورالعمل‌ها، فرایندهای پلیس</li> <li>قوانین</li> <li>واحدهای ویژه</li> <li>دانشکده پلیس</li> <li>تسهیلات پزشکی/پزشکی قانونی</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>افسران پلیس</li> <li>کارکنان دانشکده پلیس</li> <li>فرماندهی پلیس</li> <li>افسران واحدهای ویژه</li> <li>بازرسان پزشکی/پزشکی قانونی</li> <li>دانشگاهیان</li> </ul>

<ul style="list-style-type: none"> <li>جامعه مدنی</li> <li>سازمان‌های مردمنهاد</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>مواد آموزشی</li> <li>سوابق کارکنان</li> </ul>		
<ul style="list-style-type: none"> <li>رییس پلیس</li> <li>رؤسای واحدهای ویژه (جنسیتی)</li> <li>قربانیان/بازماندگان جرایم مرتبط با جنسیت</li> <li>بازپرسان</li> <li>گروه‌های زنان</li> <li>دادور</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>نهادهای حقوق بشر</li> <li>کمیسیون ملی حقوق بشر</li> <li>دفتر دادستان</li> <li>سرفرماندهی پلیس</li> <li>سازمان‌های مردمنهاد</li> </ul>	درستکاری و پاسخ‌گویی پلیس	۴،۲
<ul style="list-style-type: none"> <li>افسران پلیس و پزشکی قانونی</li> <li>کانون وکلا</li> <li>افسران معاضدت قضایی</li> <li>مریبان پزشکی قانونی</li> <li>کارکنان بخش مراقبت سلامت</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>پلیس</li> <li>سازمان پزشکی قانونی</li> <li>سازمان‌های مردمنهاد</li> <li>نهادهای حقوق بشر</li> </ul>	پزشکی قانونی	۴،۳
<ul style="list-style-type: none"> <li>افسران پلیس</li> <li>مدیران و افسران زن</li> <li>دانشکده پلیس</li> <li>گروه‌های زنان</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>سرفرماندهی پلیس</li> <li>پاسگاه‌های پلیس اجتماعی</li> <li>گروه‌های زنان</li> <li>سازمان‌های مردمنهاد</li> </ul>	افسران پلیس زن	۴،۴
<ul style="list-style-type: none"> <li>بازماندگان/قربانیان</li> <li>کارکنان دادگاه</li> <li>منتشیان دادگاه</li> <li>دادستان‌ها</li> <li>وکلا مدافع</li> <li>سازمان‌های مردمنهاد</li> <li>دانشجویان/اساتید حقوق</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>وزارت دادگستری</li> <li>وزارت مسوول امور زندان</li> <li>نهادهای حقوق بشر</li> <li>سازمان‌های مردمنهاد</li> <li>گروه‌های زنان</li> <li>دانشکده‌های قانون</li> </ul>	دادگاه‌ها	۵،۱
<ul style="list-style-type: none"> <li>رهبران سنتی (زن و مرد)</li> <li>دادستان‌ها</li> <li>اساتید حقوق سنتی</li> <li>رهبران اجتماعی</li> <li>گروه‌های زنان</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>قانون اساسی</li> <li>قوانین</li> <li>وزارت دادگستری</li> <li>وزارت مربوط به امور جنسیت/زنان</li> <li>دادگاه‌های سنتی</li> </ul>	دادگاه‌های سنتی/عرفی	۵،۱،۱
<ul style="list-style-type: none"> <li>قاضیان</li> <li>دادستان‌ها</li> <li>بازپرسان</li> <li>وکلا مدافع</li> <li>سازمان‌های مردمنهاد</li> <li>جامعه مدنی</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>دادگاه بین‌المللی</li> <li>سازمان‌های مردمنهاد</li> <li>حامیان مالی</li> <li>دفاتر کشوری سازمان ملل</li> </ul>	دادرسی انتقالی	۵،۱،۲

عنوان	منابع	اشخاص	تکمیل‌شده
کارکنان دادگاه	<ul style="list-style-type: none"> <li>قوه قضاییه</li> <li>وزارت دادگستری</li> <li>کانون وکلا</li> <li>سازمان‌های مردمنهاد</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>قضات</li> <li>منتشیان دادگاه</li> <li>بازپرسان</li> <li>مترجمان دادگاه</li> </ul>	۵،۱،۳

<ul style="list-style-type: none"> <li>• اساتید دانشکده حقوق</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>• رؤسای دادگاه بخش</li> <li>• مراجعان دادگاه</li> <li>• وکلای مدافع</li> </ul>		
<ul style="list-style-type: none"> <li>• وزارت دادگستری</li> <li>• دفتر دادستانی</li> <li>• وزارتخانه ناظر بر عملکرد پلیس</li> <li>• پلیس</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>• دادستان کل</li> <li>• دادستان‌ها (هم داخل و هم خارج پایتخت)</li> <li>• دادستان‌های زن</li> <li>• قضایان و افسران پلیس</li> </ul>	دادستانی	۵،۲
<ul style="list-style-type: none"> <li>• دانشکده حقوق</li> <li>• کانون وکلا</li> <li>• گروه‌های زنان</li> <li>• کانون وکلای زن</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>• وکلا</li> <li>• رهبری کانون وکلا</li> <li>• رییس دیوان عالی (قضایی)</li> <li>• دانشجویان حقوق</li> <li>• مراجعان</li> <li>• سازمان‌های مردمنهاد</li> </ul>	پذیرش در دانشکده حقوق	۵،۳،۱
<ul style="list-style-type: none"> <li>• واحد وکلای مدافع</li> <li>• قوه قضاییه، سازمان‌های مردمنهاد</li> <li>• کانون وکلا</li> <li>• نهادهای جامعه مدنی</li> <li>• زندان‌ها</li> <li>• پلیس</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>• افسران/وکلا/معاضدت قضایی</li> <li>• رییس دیوان عالی (قضایی)</li> <li>• قربانیان</li> <li>• زندانیان زن</li> <li>• بازپرسان</li> <li>• دستیاران حقوقی</li> </ul>	واحد معاضدت قضایی/وکالت تسخیری	۵،۳،۲
<ul style="list-style-type: none"> <li>• واحد دفاع (حقوقی)</li> <li>• وزارت دادگستری</li> <li>• قوه قضاییه،</li> <li>• برنامه‌های دستیاران حقوقی</li> <li>• سازمان‌های مردمنهاد</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>• دستیاران حقوقی</li> <li>• معاونان حقوقی</li> <li>• رؤسای دادگاه بخش</li> <li>• قضات</li> <li>• بازماندگان/قربانیان</li> <li>• سازمان‌های مردمنهاد</li> </ul>	مساعدت قضایی توسط غیر وکلا/دستیاران حقوقی	۵،۳،۳
<ul style="list-style-type: none"> <li>• قوانین</li> <li>• گزارش‌های زندان</li> <li>• مراجع زندان</li> <li>• گزارش‌های سازمان‌های مردمنهاد و نهادهای حقوق بشر</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>• مقامات زندان</li> <li>• زندانبان‌ها</li> <li>• زندانیان</li> <li>• کارکنان سازمان‌های مردمنهاد</li> </ul>	زندان‌ها	۶،۱
<ul style="list-style-type: none"> <li>• قوانین</li> <li>• سرفرماندهی پلیس</li> <li>• پلیس اجتماعی</li> <li>• گزارش‌های سازمان‌های مردمنهاد و نهادهای حقوق بشر</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>• افسران پلیس (زن و مرد)</li> <li>• شورای دفاع</li> <li>• دستیاران حقوقی</li> <li>• زندانیان زن</li> </ul>	حبس پیش از محاکمه	۶،۲

عنوان	منابع	اشخاص	تکمیل‌شده
حبس حفاظتی	<ul style="list-style-type: none"> <li>• راهنماهای پلیس</li> <li>• قوه قضاییه</li> <li>• مرجع دادستانی</li> <li>• کانون وکلا</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>• مقامات زندان</li> <li>• افسران پلیس</li> <li>• وکلا</li> <li>• قضات</li> </ul>	۶،۳

<ul style="list-style-type: none"> <li>• دادستان‌ها</li> <li>• قربانیان در حبس حفاظتی</li> <li>• اعضای خانواده</li> <li>• جامعه مدنی</li> <li>• کارکنان سازمان‌های مردمنهاد</li> <li>• گروه‌های زنان</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>• قوانین</li> <li>• پلیس</li> <li>• سازمان‌های مردمنهاد</li> <li>• گروه‌های زنان</li> </ul>		
<ul style="list-style-type: none"> <li>• پلیس</li> <li>• دادستان</li> <li>• رؤسای دادگاه بخش</li> <li>• محبوسان زن</li> <li>• وکلای تسخیری</li> <li>• سازمان‌های مردمنهاد</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>• زندان‌ها</li> <li>• سازمان‌های مردمنهاد</li> <li>• گزارش‌های نهادهای حقوق بشر</li> </ul>	جایگزین‌های حبس	۶,۴
<ul style="list-style-type: none"> <li>• پلیس</li> <li>• دادستان</li> <li>• رؤسای دادگاه بخش</li> <li>• محبوسان زن</li> <li>• وکلای تسخیری</li> <li>• سازمان‌های مردمنهاد</li> <li>• سرپرستی کانون وکلا</li> <li>• گروه‌های زنان</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>• وزارت مسوول زندان‌ها</li> <li>• وزارت دادگستری</li> <li>• زندان‌ها</li> <li>• نهادهای حقوق بشر</li> </ul>	بازگشت به جامعه	۶,۵
<ul style="list-style-type: none"> <li>• افسران پلیس</li> <li>• کارکنان سرپناه</li> <li>• سازمان‌های مردمنهاد</li> <li>• قربانیان جرایم مرتبط با جنسیت</li> <li>• رؤسای دادگاه بخش</li> <li>• قضات</li> <li>• دادستان‌ها</li> <li>• کارکنان بخش مراقبت سلامت</li> <li>• نهادهای حقوق بشر</li> <li>• گروه‌های جامعه مدنی</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>• سرپناه زنان</li> <li>• سازمان‌های مردمنهاد</li> <li>• گروه‌های حمایت از قربانیان</li> <li>• دادگاه‌ها</li> <li>• پلیس</li> </ul>	قربانیان و شاهدان	۷
<ul style="list-style-type: none"> <li>• افسران پلیس</li> <li>• مقامات زندان</li> <li>• رهبران اجتماعی</li> <li>• سازمان‌های مردمنهاد منطقه‌ای/بین‌المللی</li> <li>• سرپرستی کانون وکلا</li> <li>• وکلا</li> <li>• دادستان‌ها</li> <li>• قضات</li> <li>• سازمان‌های مردمنهاد</li> <li>• جامعه مدنی</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>• قوانین</li> <li>• پلیس</li> <li>• وزارت دادگستری</li> <li>• معاضدت دفاعی/حقوقی</li> <li>• زندان‌ها</li> <li>• گزارش‌های حقوق بشر</li> <li>• قوانین اجتماعی/سنتی</li> <li>• سازمان‌های باورمحور</li> <li>• سربازان حافظ صلح</li> <li>• دفاتر کشوری سازمان ملل</li> </ul>	پیشگیری از جرم	۸

عنوان	منابع	اشخاص	تکمیل شده
۹،۱ آگاه‌سازی عمومی/سوادآموزی حقوقی	<ul style="list-style-type: none"> <li>سازمان‌های مردم‌نهاد</li> <li>گروه‌های جامعه مدنی</li> <li>گزارش حامیان مالی</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>دفاتر کشوری حامیان مالی</li> <li>رهبران اجتماعی</li> <li>گروه‌های جامعه مدنی</li> <li>سازمان‌های مردم‌نهاد</li> </ul>	
۹،۲ دیدگاه جامعه	<ul style="list-style-type: none"> <li>نهادهای جامعه مدنی</li> <li>سازمان‌های مردم‌نهاد</li> <li>گروه‌های زنان</li> <li>حامیان مالی</li> <li>دانشگاهیان</li> <li>رسانه‌ها</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>رهبرای اجتماعی</li> <li>رهبران (سازمان‌های) باورمحور</li> <li>سازمان‌های مردم‌نهاد</li> <li>گروه‌های زنان</li> <li>معلمان</li> <li>دانش‌آموزان</li> <li>گزارش‌ها</li> <li>جامعه مدنی</li> </ul>	
۹،۳ رسانه‌ها	<ul style="list-style-type: none"> <li>قوانین</li> <li>جامعه مدنی</li> <li>سازمان‌های مردم‌نهاد</li> <li>رسانه‌ها (ایستگاه‌های رادیویی، ایستگاه‌های تلویزیونی، روزنامه‌ها)</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>گزارش‌گران</li> <li>سازمان‌های مردم‌نهاد</li> <li>نهادهای جامعه مدنی</li> <li>رهبران اجتماعی</li> <li>نهادهای حقوق بشر</li> </ul>	
۱۰ نظارت/پایش	<ul style="list-style-type: none"> <li>دادگاه‌های سنتی</li> <li>ساختارهای نظارت</li> <li>نهادهای جامعه مدنی</li> <li>قوانین</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>دادور</li> <li>رهبران سنتی</li> <li>جامعه مدنی</li> <li>نهادهای حقوق بشر</li> </ul>	
۱۱،۱ شرکای برنامه	<ul style="list-style-type: none"> <li>حامیان مالی</li> <li>سازمان‌های بین‌المللی</li> <li>وزارت‌خانه‌های مسئول بخش‌های مختلف نظام</li> <li>دادرسی کیفری</li> <li>وزارت دارایی</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>حامیان مالی (دفتر مرکزی و مدیران برنامه کشوری)</li> <li>کارکنان سازمان‌های بین‌المللی</li> <li>وزیر دادگستری</li> <li>وزیر مسوول در امور مربوط به جنسیت</li> <li>رییس شورای عالی قضایی</li> </ul>	